

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی (۱)

سال اول دبیرستان

این کتاب در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بازنگری شد و در اصلاح آن از نظرات دبیرخانه
کشوری درس عربی و نیز گروه‌های آموزشی و دبیران مجرب عربی استفاده شد.

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: عربی (۱) سال اول دبیرستان - ۲۰۴/۱

مؤلفان: حمیدرضا میرحاجی، عیسی متقی‌زاده، مجید صالح‌بک، علی چراغی و عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی

بازنگری: عادل اشکبوس، حبیب تقوایی، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف‌نژاد

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ: سید احمد حسینی

نقّاش: محمدحسین تهرانی، مانا نبوی فرهنگد

طراح جلد: محمدحسن معماری

صفحه‌آرا: خدیجه محمدی

حروفچین: کبری اجابتی

مصصح: فاطمه صغری ذوالفقاری، پری ایلخانی‌زاده

امور آماده‌سازی خبر: سپیده ملک‌ایزدی

امور فنی رایانه‌ای: حمید نابت کلاچاهی، ناهید خیام‌باشی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

تلفن: ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

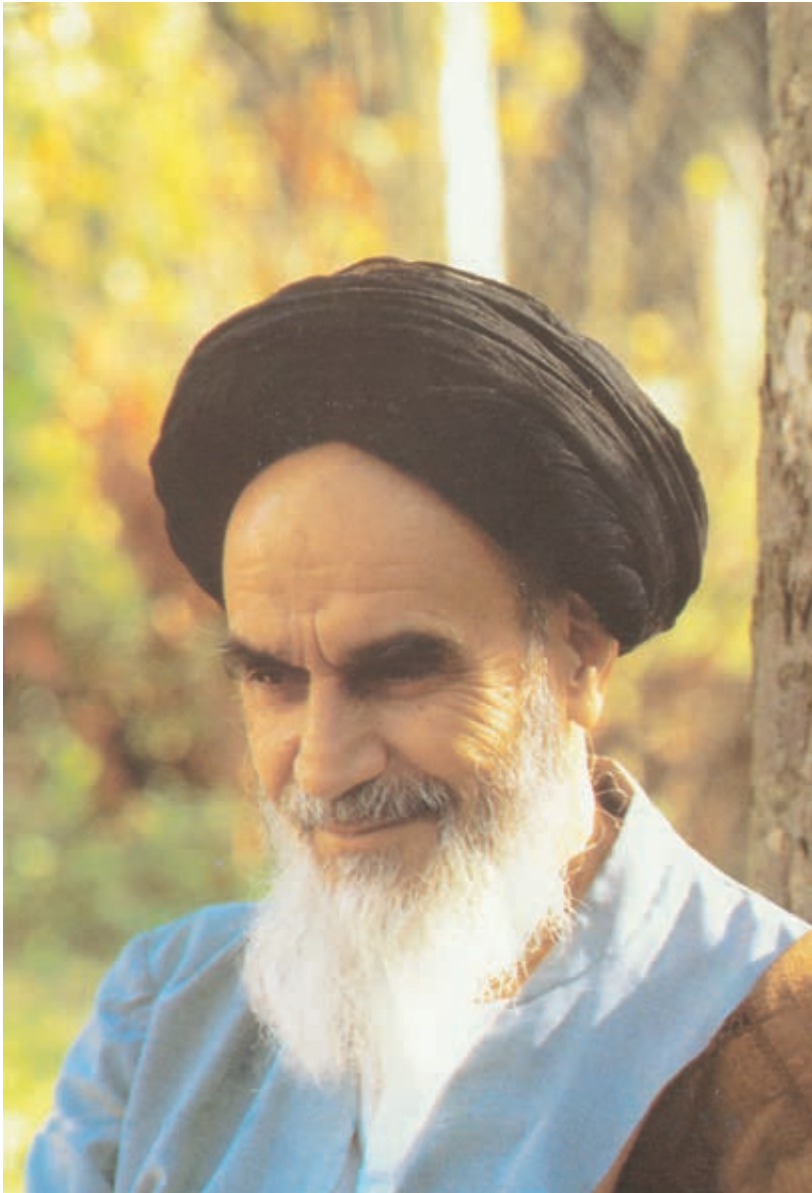
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ پانزدهم ۱۳۹۳

حق چاپ محفوظ است.

ISBN 964-05-0712-1

شابک ۹۶۴-۰۵-۰۷۱۲-۱



نگوید که لغت عربی هم از ما نیست؛ لغت عربی از ماست؛
لغت عربی لغت اسلام است و اسلام از همه است.
امام خمینی (ره)

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آمان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۵۵/۳۶۳ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی متوسطه نظری

فهرس الكتاب

الدرس	العنوان	القواعد	الصفحة
الدرس الأول	ياربّ	ياد آوری	۱
الدرس الثاني	زيارة الحبيب	اوزان ثلاثي مزيد (۱)	۱۲
الدرس الثالث	التلميدُ المِثاليُّ	اوزان ثلاثي مزيد (۲)	۲۴
الدرس الرابع	العبرةُ	جامد و مشتق (۱)	۳۴
الدرس الخامس	مَشاهدٌ مِنَ الحِياةِ البَسيطةِ	جامد و مشتق (۲)	۴۳
الدرس السادس	التَّجربةُ	ضمير	۵۳
الدرس السابع	الهِجرةُ	موصول	۶۳
الدرس الثامن	توبةُ التَّعَلُّبِ	معرّب و مبني	۷۳
الدرس التاسع	حُسْنُ العاقبةِ	جملة فعلية،	۸۱
(فعل و فاعل، مفعولٌ به - جار و مجرور)			
الدرس العاشر	﴿فيه شفاءٌ لِلنَّاسِ﴾	جملة اسمية، مبتدا و خير	۹۵
المُعجم			۱۰۶

مقدمه

ذات اقدس باری تعالی را سپاسگزاریم که توفیق خدمت به زبان قرآن را به ما عنایت فرمود تا حلقه ارتباط آشنایی جوانان ایران اسلامی با زبان وحی باشیم.

آموزش مرحله‌ای

آموزش زبان، با هر هدفی که باشد، به صورت مرحله‌ای انجام می‌گیرد و از مرحله مقدماتی آغاز می‌شود تا به مرحله پیشرفته برسد.

ویژگی‌های این کتاب

کتاب حاضر از سه بخش اساسی تشکیل شده است :

۱- متون

متون کتاب به شکل قصه و گفت‌وگو تهیه شده است تا ضمن برخورداری از جذابیت و زیبایی، بهتر بتواند دانش‌آموزان را در فهم و درک متون عربی و ترجمه آنها یاری کند. برای اجتناب از طولانی شدن متون داستان‌ها، با بهره‌گیری از تصویر، علاوه بر جذاب شدن کتاب، بار معنایی فراوانی بر عهده این تصاویر گذاشته شده است.

۲- قواعد

در شیوه‌سازماندهی محتوای قواعد با به‌کارگیری نمودار، جدول و کادرهای مختلف، سعی شده که دانش‌آموز با به‌کارگیری روش اکتشافی، خود در فرآیند یادگیری شرکت کند و سنگینی آموزش قواعد با به‌کارگیری این روش حتی‌الامکان تسهیل شود. اهمیت استفاده از حضور فعال دانش‌آموز در فرآیند یادگیری و بهره‌مندی از روش پرسش و پاسخ، از نکاتی است که نباید نادیده گرفته شود.

مطالب کادرهای سمت چپ و راست صفحات قواعد نیز می‌تواند به‌عنوان یک «چاشنی»، امر یادگیری را تسهیل و جذاب کند.

۳- تمرین

در شیوه‌ارائه تمرین‌ها سعی شده که این تمرینات ضمن تحقق بخشیدن به اهداف مورد نظر در هر درس، از جذابیت و تنوع برخوردار باشد تا بتواند مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرد. در این کتاب، بخش «تجزیه و ترکیب» نیز تحت عنوان «الإعراب و التحليل الصرفي» آمده که با

در نظر گرفتن این که «شجره» آموزش قواعد هر زبان، وقتی به بار خواهد نشست که این قواعد را بتوان بر کلمات و جمله‌ها تطبیق داد تا وسیله‌ای شود برای درست خواندن و درست درک کردن مطالب، اهمیت بسیار زیاد این بخش بر اهل فن پوشیده نیست و نباید از آن غافل بود.

در کنار این سه بخش اصلی، بخش‌های دیگری در نظر گرفته شده که همگی با هدف تسهیل فراگیری سه بخش اول سازماندهی شده‌اند. این بخش‌ها عبارتند از:

۱- اضاء قرآنیة

در کتاب‌های عربی دوره سه ساله راهنمایی صفحه‌ای با عنوان «الدراسات القرآنیة» گنجانده شده تا دانش‌آموزان رد پای آموخته‌های خود را در قرآن کریم جستجو کنند و به آن‌ها یادآوری شود که چگونه می‌توانند آموخته‌های خویش را مورد استفاده و بررسی قرار دهند.

توصیه‌هایی که در این بخش از کتاب حاضر می‌تواند مفید واقع شود، همان مواردی هستند که در کتاب‌های دوره راهنمایی مطرح شده‌اند.

۲- فی رحاب نهج البلاغة

در سه درس از کتاب حاضر تحت عنوان «فی رحاب نهج البلاغة» سعی شده است تا عملاً به آنان نشان داده شود کلمات و عبارات زبان «عربی فصیح» همگی از یک «اصل» منشعب شده‌اند، و آن همان کلام الهی یعنی قرآن کریم است.

۳- کارگاه ترجمه

این صفحه قصد دارد به منظور تقویت قوه درک و فهم عبارات که از اهداف غایی آموزش زبان عربی است، دانش‌آموز را با نکات و اصول ترجمه صحیح آشنا کند. تأکید روی این زمینه در تمامی متون و عبارات و تمرینات، مورد نظر است تا به تدریج امر برداختن به تقویت فهم متون و عبارات جایگاه شایسته خود را باز یابد.

۴- توجه به کاربرد عربی در فارسی

از آنجا که فهم متون فرهنگ اسلامی و نیز دریافت لطایف و حلاوت زبان فارسی جز با یادگیری زبان عربی امکان‌پذیر نیست، لذا در این کتاب نیز چون کتاب‌های دوره راهنمایی، تا حد امکان به این مهم پرداخته شده و در جای جای کتاب علاوه بر استفاده از کلمات و عبارات و متون اسلامی، سعی شده که از عبارات و واژگان عربی مورد استفاده در زبان فارسی استفاده شود.

در پایان و با امید این که تلاش مسئولان، برنامه‌ریزان، کارشناسان و مؤلفان این کتاب بتواند نقش سازنده‌ای در آموزش زبان قرآن داشته باشد، توجه دبیران ارجمند را به چند نکته جلب می‌نماید:

نکته‌ها

- ۱- در زمینه ترجمه، همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شده، کار اصلی بر عهده دانش‌آموزان است و معلم می‌بایست نقش راهنمایی و ارشاد داشته باشد.
- ۲- در زمینه قواعد، تلاش شود که از روش اکتشافی بهره گرفته شود و دانش‌آموز در جریان یادگیری، مستقیماً دخالت نکند.
استفاده از کادرها و جدول‌ها در فرآیند یادگیری، بسیار مفید و لازم است.
در زمینه قواعد به هیچ‌وجه مطالب خارج از کتاب، آموزش داده نشود. و اطمینان داشته باشیم که تمامی مطالب مورد نیاز به تدریج آموزش داده خواهد شد.
- ۳- سعی شود که پاره‌ای از جمله‌های ساده به هنگام ورود به کلاس و خروج از کلاس، باز کردن کتاب، حل تمرین‌ها و ... به زبان عربی بیان شود تا دانش‌آموز احساس کند در حال فراگیری زبانی زنده و پویا است و می‌تواند از کلمات و عبارات قرآن کریم در گفت و گوها و ... استفاده کند.
- ۴- در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فقط از آن دسته از کلمات و عبارات به کار رفته در «أضواء قرآنية» و «في رحاب نهج البلاغة» و «کارگاه ترجمه» می‌توان استفاده کرد که به نحوی در متن دروس نیز به کار رفته باشد. به عبارت دیگر نباید ترجمه عبارت‌ها و کلماتی خواسته شود که در متن درس نیست.

«وَمِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ»

گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

www.arabic-dept.talif.sch.ir

سایت گروه عربی

﴿... هَبْ لِي حُكْمًا * وَالْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾

يَارِبُّ

قَوِّ * عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي .

وَأَشَدِّدْ * عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي .

فَإِلَيْكَ * يَا رَبِّ نَصَبْتُ * وَجْهِي .

وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي .

يَا سَابِغَ * النَّعَمِ ، يَا دَافِعَ * النَّقَمِ ،

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ * وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ * أَهْلُهُ .



قَوَاعِدُ


دانستیم که فعل ماضی ۱۴ صیغه دارد؛ مانند :

ماضی	مفرد	مُتَنِي	جمع
غَائِب	مذکر  هُوَ فَعَلَ وَاجِبُهُ.	 هُمَا فَعَلَا وَاجِبُهُمَا.	 هُمْ فَعَلُوا وَاجِبَهُمْ.
	مؤنث  هِيَ فَعَلَتْ وَاجِبُهَا.	 هُمَا فَعَلْنَا وَاجِبُهُمَا.	 هُنَّ فَعَلْنَ وَاجِبَهُنَّ.
مُخَاطَب	مذکر  أَنْتَ فَعَلْتَ وَاجِبِكَ.	 أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا وَاجِبِكُمَا.	 أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ وَاجِبِكُمْ.
	مؤنث  أَنْتِ فَعَلْتِ وَاجِبِكِ.	 أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا وَاجِبِكُمَا.	 أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ وَاجِبِكُنَّ.
مُتَكَلِّم	 أَنَا فَعَلْتُ وَاجِبِي.	 نَحْنُ فَعَلْنَا وَاجِبِنَا.	

بر همین مثال، ۱۴ شکل جمله «هُوَ عَمِلَ بِعِلْمِهِ» را بگویند.

قَوَاعِدُ

دانستیم که فعل مضارع برای دلالت بر شخص‌های مختلف، صورت‌های گوناگون می‌پذیرد و (« ۱۴ صیغه» دارد؛ مانند :

مضارع	مفرد	مُتَنِّي	جمع
غائب	 هُوَ يَفْعَلُ وَاجِبُهُ.	 هُمَا يَفْعَلَانِ وَاجِبُهُمَا.	 هُمْ يَفْعَلُونَ وَاجِبُهُمْ.
	 هِيَ تَفْعَلُ وَاجِبِهَا.	 هُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبُهُمَا.	 هُنَّ يَفْعَلْنَ وَاجِبُهُنَّ.
مُخَاطَب	 أَنْتَ تَفْعَلُ وَاجِبِكَ.	 أَنْتُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبِكُمَا.	 أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ وَاجِبِكُمْ.
	 أَنْتِ تَفْعَلِينَ وَاجِبِكِ.	 أَنْتُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبِكُمَا.	 أَنْتُنَّ تَفْعَلْنَ وَاجِبِكُنَّ.
مُتَكَلِّم	 أَنَا أَفْعَلُ وَاجِبِي.	 نَحْنُ نَفْعَلُ وَاجِبِنَا.	
	وَخَدَهُ	مَعَ الْغَيْرِ	

بر همین مثال، ۱۴ شکل جمله «هُوَ يَشْكُرُ رَبَّهُ» را بگویید.

صرف اسم (از نظر عدد و جنس)

کاتبه	مفرد مؤنث	کاتب	مفرد مذکر
کاتبان - کاتبتین	مثنی مؤنث	کاتبان - کاتبتین	مثنی مذکر
کاتبات	جمع مؤنث	کاتبون - کاتبتین	جمع مذکر

با توجه به جدول بالا به این پرسش‌ها پاسخ دهید.

(۱) علامت اسم مفرد مؤنث چیست؟

(۲) علامت اسم مثنی چیست؟

(۳) علامت اسم جمع مذکر سالم چیست؟

(۴) علامت اسم جمع مؤنث سالم چیست؟

(۵) جمع مکسر «کاتب» چیست؟

برخی اسم‌ها جمع سالم دارند و برخی جمع مکسر. جمع اسم‌های زیر را بنویسید.

مهندس تلمیذه شهید :

جمع مکسر

جمع مکسر قاعده خاصی ندارد و باید از قبل مفرد و جمع کلمه مورد نظر را شنیده باشیم.

چند نمونه از وزن‌های مشهور جمع مکسر عبارتند از :

مفاعِل (مساجد)، أفعال (اشخاص)، فُعلاء (علماء)، تفاعیل (تفاسیر)،

فُعول (دروس)، فِعال (رجال)، فُعال (تجار)، فِعل (علل)، فُعل (غرف)،

أفِعلَة (أطعمَة)، فِواعِل (عواطف)، مفاعیل (مفاتيح) و

اکنون شما جمع مکسر این کلمه‌ها را بگویید.

وزیر تعلیم عبَد حُکم جارِحَة صورة مَعَبَد

اعراب

در کلاس سوم راهنمایی خواندید که :

فاعل مرفوع است. مثال : ذَهَبَ الطالبُ^③.

فاعل و مرفوع

مفعول منصوب است. مثال: شَرِبَ الطِّفْلُ المَاءَ.

مفعول به و منصوب

مبتدا و خبر هر دو مرفوع هستند. مثال: العلم مفيد.

مبتدا خبر
و مرفوع و مرفوع

اکنون شما اعراب کلمات جمله‌های زیر را معلوم کنید.
ذَهَبَ الطِّفْلُ. قَرَأَتِ الطَّالِبَةُ القُرْآنَ.

فَتَحَ المَعْلَمُ الكِتَابَ فِي الصَّفِّ.

علامت رفع : ؕ، ؕ

علامت نصب : َ، َ





علامت جر : ِ، ِ

علامت جزم : ُ

اسم اشاره به نزدیک

	این دانش آموز	هَذَا الطَّالِبُ
	این دو دانش آموز	هَذَانِ الطَّالِبَانِ - هَذَيْنِ الطَّالِبَيْنِ
	این دانش آموزان	هَؤُلَاءِ الطُّلَابُ
	این دانش آموز	هَذِهِ الطَّالِبَةُ
	این دو دانش آموز	هَاتَانِ الطَّالِبَاتِ - هَاتَيْنِ الطَّالِبَتَيْنِ
	این دانش آموزان	هَؤُلَاءِ الطَّالِبَاتُ

اسم اشاره به دور

	آن دانش آموز	ذَلِكَ الطَّالِبِ
	آن دانش آموزان	أُولَئِكَ الطُّلَابُ
	آن دانش آموز	تِلْكَ الطَّالِبَةُ
	آن دانش آموزان	أُولَئِكَ الطَّالِبَاتُ

بسیاری از کلمه‌ها در زبان عربی دارای وزن و حروف اصلی هستند. مثلاً همهٔ این کلمات دارای سه حرف اصلی «ح ک م» هستند.

حَاكِمٌ، مَحْكُومٌ، حَكِيمٌ، مُحَكِّمٌ، تَحْكِيمٌ، اسْتِحْكَامٌ، حُكْمَاءٌ، أَحْكَامٌ، حِكْمَةٌ همهٔ این کلمات

دارای سه حرف اصلی «ع ل م» هستند.

عَالِمٌ، مَعْلُومٌ، عَلِيمٌ، تَعْلِيمٌ، تَعَلَّمَ، مُعَلِّمٌ، اسْتِعْلَامٌ، عِلْمٌ، عَلَامَةٌ، أَعْلَمُ

اکنون به این کلمه‌ها توجه کنید :

مَحْكُومٌ، مَعْلُومٌ، مَنصُورٌ، مَجْبُورٌ، مَكْتُوبٌ، مَفْتُوحٌ، مَأْمُورٌ، مَحْمُودٌ

همهٔ کلمات بالا بر وزن «مَفْعُولٌ» هستند.

مثال‌های دیگر :

عَابِدٌ، رَافِعٌ، شَاهِدٌ، قَادِرٌ، وَاصِلٌ، خَالِقٌ، صَادِقٌ بر وزن فاعِلٍ

انْقِطَاعٌ، انْقِرَاضٌ، انْبِسَاطٌ، انْكَسَارٌ، انْصِرَافٌ، انْهَادٌ بر وزن انْفِعَالٍ

ستون رمز

		ف	
		ل	
		م	

رمز را این جا بنویسید :

التمرين الأول

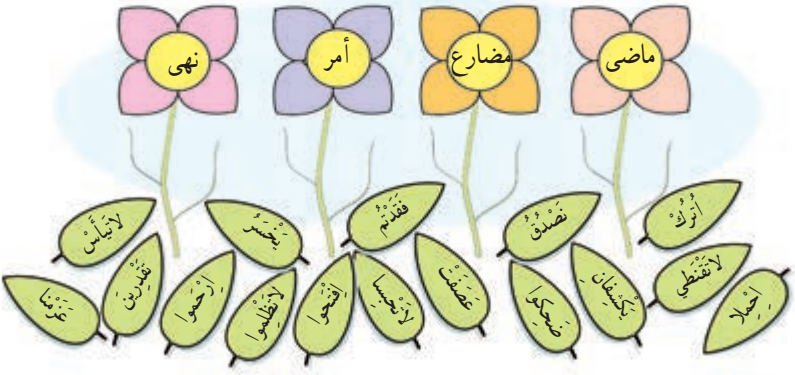
أكمل الجدول التالي ثم أكتب الرمز في المكان

المناسب :

- ١- كليلد
- ٢- عبادت كن (للمؤنث)
- ٣- جمع «عليم»
- ٤- فرمان می دهند (للغائبات)
- ٥- زن
- ٦- جمع «رُكن»

التمرين الثاني

ترجم الأفعال التالية ثم أجعل كل فعل في مكانه المناسب :



التمرين الثالث

اجعل في الفراغ فعلاً مضارعاً للثي :

- ١- ﴿... الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ﴾ (تَلِسُونَ)
- ٢- ﴿...، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (تَحَزُنُ)
- ٣- ﴿... هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ (تَقْرَبَانِ)

التدريب الرابع

أكمل الجدول التالي:

منهى (از مضارع مخاطب)	منهى (مضارع)	مضارع	منهى (ماضى)	ماضى
.....	يَتَعَبُ	تَعَبَ (خسته شد)
.....
.....	مَا شَرِبَتْ
.....
.....	يَصْرُخُنَ
.....	فرياد می زنند

التدريب الخامس

أكتب كل كلمة في مكانها المناسب من الجدول ثم اذكر مفردها:

والدین، أيام، مسؤولین، جنتان، عالمات، صادقین، صالحات، بحرین، علوم، خاشعون،
فراشات، عباد.

المفرد	جمع التكسير	المفرد	الجمع السالم	المفرد	المثنى

التمرين السادس

إجعل في الفراغ ضميراً مناسباً:



التمرين السابع

عَيِّنْ إعراب الكلمات التي أُشير* إليها بخطّ:

أَللَّهُمَّ، ... قَوْلِكَ حَقٌّ وَ وَعَدُكَ صِدْقٌ .

﴿ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ﴾

مبتدأ	خبر	فاعل	مفعول	مجرور بحرف الجر

التمرين الثامن

عَيِّنْ الترجمة الصحيحة:

١- لَا تَبْخَثُوا عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ .

در مورد عیب های مردم بحث نکنید.

در جست و جوی عیب های مردم نباشید.

٢- ﴿ اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾

خداوند می داند و شما نمی دانید.

خداوند می داند و آنها نمی دانند.

٣- ﴿ ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ ﴾

رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید.

رکوع و سجود کردند و پروردگارشان را پرستیدند.



در ترجمه، توجه به نکات زیر- که در سال های قبل خوانده ایم- ضروری است.

- ۱- اسمیه یا فعلیه بودن جمله
- ۲- فعل و صیغه آن (ماضی، مضارع، امر، غایب، مخاطب، متکلم)
- ۳- ضمائر
- ۴- اسم های اشاره
- ۵- سؤالی و یا منفی بودن جمله
- ۶- تشخیص فاعل و مفعول
- ۷- تشخیص مفرد یا مثنی و یا جمع بودن اسمها

با توجه به مطالب گفته شده، غلط های ترجمه های زیر را پیدا کنید و صحیح آنها را بنویسید :

- ۱- ﴿ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ ﴾ ۴- يَسْمَعُ اللَّهُ نِدَاءَ الْمَظْلُومِينَ .
برای ما در آن دنیا و آخرت نیکی را می نویسم . خدا صدای ستمدیدگان را شنید .
- ۲- ﴿ اِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ ﴾ ۵- ﴿ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ﴾
به سوی پروردگارتان باز گردید . جز خدا را عبادت نمی کنید .
- ۳- ﴿ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴾
خداوند پس از سختی آسانی قرار داد .

صفحه «کارگاه ترجمه» به منظور توجه و اهتمام بیشتر به موضوع تقویت قوه درک و فهم متون عربی و آشنایی با اصول ترجمه و نکته های مهم آن فراهم شده است.

الف

با توجه به زمان و صیغه فعل‌های مشخص شده، جاهای خالی را پر کنید :

- ۱- قَالَ : ﴿ اُخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴾ . (جحر / ۳۴) .
گفت : از این [مقام] که تو رانده شده‌ای .
- ۲- ﴿ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴾ . (رحمن / ۲۲) .
از هر دو [دریا] مروارید و مرجان
- ۳- ﴿ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا ﴾ . (انفال / ۴۷) .
مانند کسانی نباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی

ب

حرکت آخر (اعراب) کلماتی را که زیر آنها خط کشیده شده، مشخص کنید :

- ۱- ﴿ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ ﴾ (اسراء / ۸۱) . حق آمد و باطل از میان رفت .
- ۲- ﴿ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ ... ﴾ (توبه / ۲۶) . خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و ... فرو فرستاد .
- ۳- ﴿ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴾ (بقره / ۹۵) . خداوند بر [حال] ستمکاران آگاه است .

فیه رها بترجم الی اللغه

«العلم»

یا کُتِیل،

العلم خیر من المال .

العلم یحرسک^۲ و أنت تحرس المال . «حکم ۱۴۷»

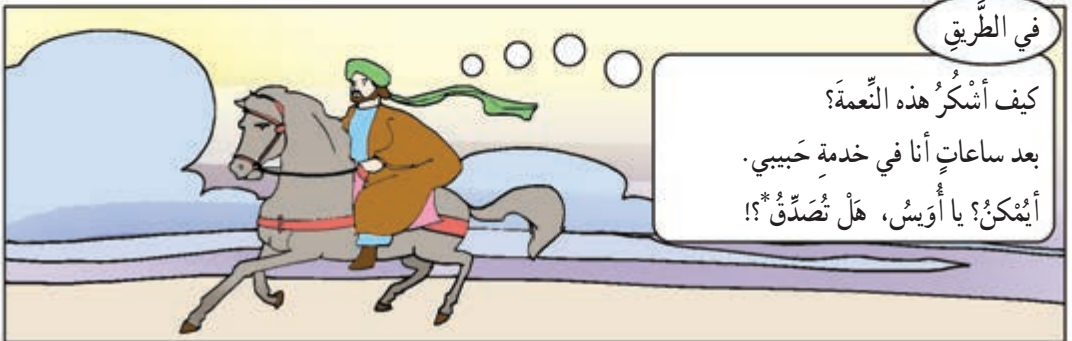
● ترجم عباراتِ اِلی الفارسیّه تمّ عین المبتدأ و الخبر .

۱- الرَّحَاب : ج رَحَب : کُستره

۲- یَحْرُسُکَ : تو را حفظ می کند .

زِيَارَةُ الْحَبِيبِ *

الدَّرْسُ الثَّانِي







– لا... أين؟

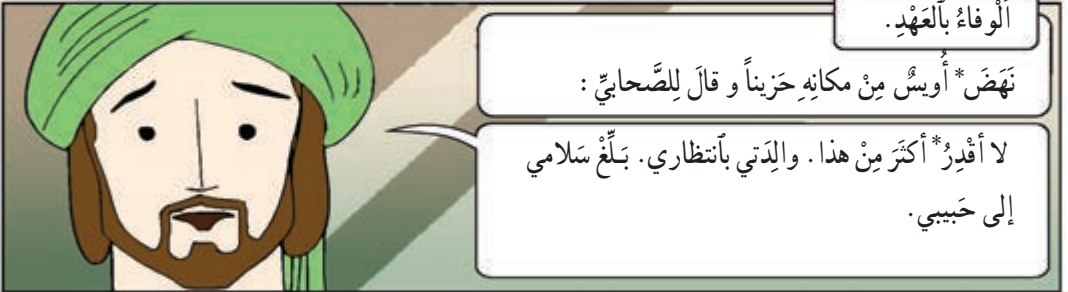
– هو سافرَ إلى مكانٍ قريبٍ،
يرجعُ بعدَ قليلٍ* إن شاءَ اللهُ.



– قَطَعْتُ هذهَ المسافةَ البعيدةَ لزيارةِ حبيبي.

والِدتي.

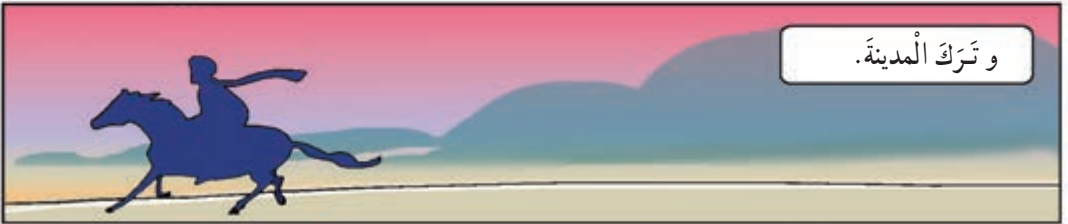
فَجَلَسَ على الأرضِ قَلِيلاً*. نظرَ إلى السَّماءِ.
فَتَسَّ* عَن مَوْضِعِ الشَّمْسِ.



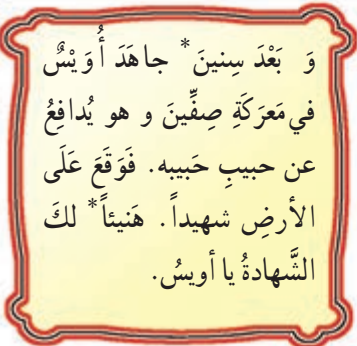
ألوفاءً بِالْعَهْدِ.

نَهَضَ* أُوَيْسٌ مِنْ مَكَانِهِ حَزِيناً وَقَالَ لِلصَّحَابِيِّ:

لا أَفْدِرُ* أَكْثَرَ مِنْ هَذَا. وَالِدَتِي بَأَنْتِظَارِي. بَلَّغْ سَلَامِي
إلى حَبِيبِي.



و تَرَكَ المَدِينَةَ.



وَ بَعْدَ سِنِينَ* جَاهَدَ أُوَيْسٌ
فِي مَعْرَكَةِ صِفِّينَ وَ هُوَ يُدَافِعُ
عَنْ حَبِيبِ حَبِيبِهِ. فَوَقَعَ عَلَى
الأَرْضِ شَهِيداً. هُنَيْئاً* لَكَ
الشَّهَادَةُ يَا أُوَيْسُ.



رَجَعَ النَّبِيُّ (ص) مِنْ سَفَرِهِ.

إِنِّي لِأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَانِ مِنْ
جَانِبِ اليَمَنِ.
تَفُوخُ* رَائِحَةُ الْجَنَّةِ مِنْ قِبَلِ
«قَرْنٍ»*.

به آیات زیر توجه کنید :

- ۱- ﴿أَمْرٍ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾
- ۲- ﴿النَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ﴾
- ۳- ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- چه تفاوتی از لحاظ تعداد حروف در این افعال مشاهده می کنید؟
- ۲- کدام فعل کمترین تعداد حروف را دارد؟
- ۳- کدام فعل بیشترین تعداد حروف را دارد؟
- ۳- صیغه اول ماضی این فعل ها کدام است؟

نتیجه:
فعل هایی مانند «أَمْرٌ»، «يَسْجُدَانِ»، «فَتَحْنَا» که صیغه اول فعل ماضی آنها از سه حرف تشکیل می شود، «ثَلَاثِي مَجْرَدٌ» نام دارد.

يك سوال اساسی

آیا فکر می کنید همه نیازهای زبان عربی در گفتن و نوشتن با فعل های سه حرفی برطرف می شود؟
برای یافتن پاسخ سؤال فوق به تابلوی زیر توجه کنید :

- ۱- ﴿أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ﴾
- ۲- ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾
- ۳- ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا...﴾

ثلاثی : سه حرفی
مجرد : تنها
ثلاثی مجرد : ... ؟

– آیا می‌توانید صیغه‌های اول ماضی فعل‌های سه‌آیه مبارکه صفحه قبل را پیدا کنید؟
– صیغه اول ماضی این افعال دارای چند حرف است؟

فعل‌هایی مانند: «تُكذِّبَانِ»، «أَرْسَلْنَا»، «هَاجَرُوا»، «جَاهَدُوا...» که صیغه اول ماضی آنها بیش از سه حرف دارد، «ثلاثی مزید» نامیده می‌شود.

حال از خود سؤال کنید:

- ۱- ملاک تشخیص مجرد یا مزید بودن فعل، کدام صیغه است؟
- ۲- فعل «ثلاثی مجرد» با «ثلاثی مزید» از لحاظ ظاهری چه تفاوتی دارد؟
- ۳- برای یافتن صیغه اول ماضی چه کارهایی انجام می‌دهیم؟



سؤال کلیدی

فعل‌های مزید را چگونه تشخیص دهیم؟

جواب

■ فعل‌های مزید قالب‌های مشخصی دارند.

ما در این درس با سه وزن از فعل‌های مزید آشنا می‌شویم:



این سه نکته را در مورد باب افعال به خاطر داشته باشیم.

معرفة باب افعال

۱- ماضی این باب بر وزن «أَفْعَلٌ»: أَحْسَنَ، أَظْهَرَ

۲- مضارع این باب بر وزن «يُفْعِلُ»: يُحْسِنُ، يُظْهِرُ

۳- مصدر این باب بر وزن «إِفْعَالٌ»: إِحْسَانٌ، إِظْهَارٌ

همه فعل‌ها - چه مجرد و چه مزید - «مصدر» دارند.



«مصدر» را به عنوان پایه و اساس برای فعل قرار دهیم.

مصادر فعل‌های مجرد اوزان معنی ندارند، بلکه سماعی هستند.

اما

مصادر فعل‌های مزید وزن معنی دارند. به عبارت دیگر «قیاسی» هستند.

مصادر قیاسی

- ۱- ماضی و مضارع و مصدر فعل «كَرَّمَ» در باب افعال کدام است؟
- ۲- صیغه اول ماضی از باب افعال چند حرف دارد؟
- ۳- در فعل ماضی باب افعال کدام حرف زاید است؟
- ۴- ملاک تشخیص اصلی یا زاید بودن حروف یک کلمه چیست؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :

هی... (أُتِبَتْ) - اَنتُمْ... (تُتِبْتُ)

مهرآباد تفخیر

این سه نکته را در مورد باب تفعیل به خاطر داشته باشیم.



۱- ماضی این باب بر وزن فَعَّلَ : عَلَّمَ، قَدَّمَ

۲- مضارع این باب بر وزن يَفْعَلُ : يُعَلِّمُ، يُقَدِّمُ

۳- مصدر این باب بر وزن تَفْعِيلُ : تَعْلِيمُ، تَقْدِيمُ

مصادر فعل‌های مجرد قالب مشخصی ندارند. پس باید آنها را با تکرار و تمرین به خاطر سپرد.

حال به این چند سؤال پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و مصدر فعل «صَدَّقَ» از باب تفعیل را بنویسید.
 - ۲- صیغۀ اول ماضی در باب تفعیل چند حرف زاید دارد؟
 - ۳- آیا تعداد حروف زاید باب افعال و تفعیل با همدیگر فرق می‌کند؟
 - ۴- چرا فعل «قَدَّمَ» ثلاثی مزید است؟
 - ۵- جاهای خالی را پر کنید :
- هُما ... (دَبَّرَ) — اَنْتَ ... (يُدَبِّرُ)

این سه نکته را در مورد باب مفاعله به خاطر داشته باشیم.

معرفی مفاعله



- ۱- ماضی این باب بر وزن «فَاعَلَ»: جَاهَدَ، دَافَعَ، خَالَفَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يُفَاعِلُ»: يُجَاهِدُ، يُدَافِعُ، يُخَالَفُ
- ۳- مصدر این باب بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» و گاهی «فِعَالٌ»: مُجَاهَدَةٌ، مُدَافَعَةٌ، مُخَالَفَةٌ، جِهَادٌ، دِفَاعٌ، خِلَافٌ

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و مصدر فعل «نَصَرَ» از باب «مفاعله» را بنویسید.
 - ۲- صیغۀ اول ماضی در باب «مفاعله» چند حرف زاید دارد؟
 - ۳- آیا تعداد حروف زاید باب مفاعله و افعال و تفعیل با همدیگر فرق می‌کند؟
 - ۴- چرا فعل «صَادَقَ» ثلاثی مزید است؟
 - ۵- جاهای خالی را پر کنید :
- هُم ... (دَافَعَ) — اَنْتُمْ ... (يُدَافِعُ)

نکته اول

فعل های مزید نیز مانند فعل های ثلاثی مجرد صرف می شوند: يُعْمَلُونَ، أُكْرِمْنَا و ...

قبلاً آموختیم که برای ساختن فعل امر حرف مضارع «ت» حذف می شود و به جای آن یک همزه با حرکت کسره ـ و یا ضمه ؤ آورده می شود؛ مانند: اِذْهَبْ، اُخْرِجْ

اکنون می‌آموزیم که



همزه باب افعال در فعل امر همیشه مفتوح است :
تُكْرِمُ ← اَكْرِمُ تُحْسِنُ ← اَحْسِنُ

نکته دوم



برای ساختن فعل امر چه نیازی به همزه داریم؟ برای یافتن پاسخ، یک بار دیگر به نحوه ساخت فعل امر توجه می‌کنیم.

حذف «ت» از اول

تَخْرُجُ ← خُرُجُ ← اُخْرُجُ

حذف حرکت آخر

تَذَهَبُ ← ذَهَبُ ← اِذْهَبْ

– در عربی مانند فارسی حرف ابتدای کلمه نمی‌تواند ساکن باشد.

– همزه امر (غیر از باب افعال) چه حرکتی دارد؟

هرگاه پس از حذف حرف مضارع،

مواجه با حرکت ساکن نشدیم، دیگر نیازی

به همزه نداریم؛ مانند :

تُجَاهِدُ ← جَاهِدْ

تُعَلِّمُ ← عَلِّمْ

تمرین اول

عَيْنَ الضَّمِّعِ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ* :

-
-
-

- ۱- كَانَ أُوَيْسٌ مُشْتَقًّا لِمِيزَانِ النَّبِيِّ (ص).
- ۲- وَعَدَّ أُوَيْسٌ أُمَّهُ بِالرُّجُوعِ بَعْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.
- ۳- جَاهَدَ أُوَيْسٌ فِي مَعْرَكَةِ «نَهْرَوَانَ»، فَوَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ شَهِيدًا.

تمرین الثاني

با توجه به کفه های پر شده، کلمات هم وزن آنها را پیدا کنید :

أَحْسَنَ	جَالَسَ	أَشْرَكَ	أَكْرَمَ	هَاجَرَ	
كَاتَبَ	كَبَّرَ	قَدَّمَ	عَلَّمَ		

<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>

حال چنانچه در کفه های پر شده کلمات «يُفَعِّلُ، يُفَعَّلُ و يُفَاعَلُ» را قرار دهید، جهت برابر شدن کفه ها در وزن فعل های بالا چه تغییری ایجاد می شود؟

<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>

اکنون مصادر فعل های بالا را در جای خالی قرار دهید :

<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------

التمرین الثالث

اجعل في الفراغ كلمة مناسبة:

- ۱- ﴿وَ أَحْسِنِ كَمَا ... اللَّهُ إِلَيْكَ﴾
 أَحْسِنَ أَحْسَنُوا
- ۲- ﴿إِنَّا ... هُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾
 أَنْزَلْنَا أَنْزَلَ
- ۳- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ * عَلَيْنَا صَبْرًا و ... أَفْدَامَنَا*﴾
 نَبَّئْنَا نَبَّئُوا
- ۴- ﴿إِنَّا نَحْنُ ... عَلَيْكَ الْقُرْآنُ﴾
 نَزَّلْنَا نَزَّلْتُ

التمرین الرابع

ترجمه های زیر را در جای مناسب قرار دهید.

جهاد کن - نازل می کنی - جهاد می کنی - گرامی داشتیم - نازل کرد - نازل کن - جهاد کردند -
 گرامی بدارید - گرامی می داریم

باب	ماضی	مضارع	امر
إفعال	أَكْرَمْتُ :	نُكْرِمُ :	أَكْرِمُوا :
تفعیل	تَزَلَّ :	تُنزِلُونَ :	تَزَلَّ :
مُفاعلة	جَاهَدْنَ :	تُجَاهِدِينَ :	جَاهِدِي :

التمرین الخامس

أكمل ترجمة الجمل التالية:

- ۱- لَا يَشْعُرُ الْمُؤْمِنُ بِالضَّعْفِ عِنْدَ مُوْاجَهَةِ الْمَشَاكِلِ .
 مؤمن به هنگام با مشکلات احساس ضعف
- ۲- اللَّهُمَّ! نَوِّرْ قُلُوبَنَا بِنُورِ الْإِيمَانِ وَالْيَقِينِ .
 خدا یا! ما را به نور ایمان و یقین
- ۳- هُوَ لَا يَجِدُوا السَّعَادَةَ فِي مُسَاعَدَةِ الْآخَرِينَ .
 اینان را در به دیگران
- ۴- الْمُؤْمِنُونَ يُجَاهِدُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ .
 مؤمنان با و جان هایشان در خدا



□ فعل هایی که در یکی از باب های «افعال»، «تفعیل» به کار می روند، اغلب به صورت «متعدي» یعنی گذرا ترجمه می شوند. به عبارت دیگر در هنگام ترجمه، نیاز به مفعول دارند. مثال :

جَلَسَ : نشست (فعل لازم) ← أَجَلَسَ : نشانید (فعل متعدي)

وَقَفَ : ایستاد (فعل لازم) ← وَقَّفَ : ایستانید (فعل متعدي)

به فعل هایی که معنای آنها با فاعل کامل می شود «لازم یا ناگذر» می گوئیم. به فعل هایی که علاوه بر فاعل به مفعول نیز نیاز داشته باشند «متعدي یا گذرا» می گوئیم.

□ پاره ای از افعال همراه حرفی به کار می روند که در هنگام ترجمه به فارسی نیازی به ترجمه آن حروف نیست؛ مانند : سَخَّرَ مِنْ (مسخره کرد)، حَصَلَ عَلَيَّ (به دست آورد)، شَعِرَبَ (متوجه شد، احساس کرد) ترجمه متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

«الَّتَجْرِبَةُ»

أُرْسِلَ رَجُلٌ وَوَلَدَةٌ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِكَيْ يَتَجَرَّبُوا. فَلَمَّا خَرَجَ الْوَلَدُ مِنَ الْمَدِينَةِ، شَاهَدَ تَعَلُّبًا مَرِيضًا.

مردی پسرش را برای به دست آوردن تجربه ها به بیرون شهر برد. وقتی که پسر از شهر خارج شد، روباه بیماری آمد. فَوَقَّفَ مَدَّةً وَفَكَرَ : «كَيْفَ يَحْصُلُ عَلَى الطَّعَامِ»؟!

پس مدتی نشست و اندیشید : «کی غذا به دست می آورد»؟!

في هذه اللحظة شاهد أَسَدًا جَنَّبَ صَيْدًا. فَلَمَّا قَرَّبَ مِنَ التَّلْعَبِ أَكَلَ مِنَ الصَّيْدِ وَتَرَكَ الْبَاقِيَّ وَذَهَبَ.

در این لحظه شیری را کنار شکاری دید. وقتی که به روباه نزدیک شد دست از شکار برداشت و بقیه را ترک کرد و خارج شد.

بَعْدَ لِحْظَةٍ حَرَّكَ التَّلْعَبُ نَفْسَهُ بِضَعُوبَةٍ وَقَرَّبَ مِنَ الصَّيْدِ وَبَدَأَ بِالأَكْلِ.

پس از لحظه ای روباه بدنش را به آرامی حرکت داد و به شکار نزدیک شد و شروع به خوردن کرد.

فَقَالَ فِي نَفْسِهِ : إِنَّ اللَّهَ كَفِيلٌ بِالرِّزْقِ، فَلِمَاذَا أَتَحْمَلُ الْمَشَقَّةَ؟! فَرَجَعَ إِلَى الْوَالِدِ وَشَرَحَ لَهُ الْقِصَّةَ.

پس با خودش گفت : قطعاً خدا ضامن رزق است. پس چرا سختی تحمل کردم؟! پس به سوی پدرش رفت و داستان را برایش شرح داد.

فَقَالَ الْوَالِدُ : يَا بَنِي لَقَدْ أَخْطَأْتَ. لِأَنِّي قَصَدْتُ لَكَ حَيَاةً كَرِيمَةً. أَنْظِرْ إِلَى الْأَسَدِ. كَيْفَ يُسَاعِدُ الْآخَرِينَ وَهُوَ حَيَوَانٌ قَوِيٌّ كَمَا تَعْلَمُ.

پدر گفت : پسر جانم، قطعاً اشتباه می کنی. من برایت زندگی شرافتمندانه ای را خواستم. به شیر نگاه می کنم.

چگونه به اطرافیان کمک می کند و همان گونه که می دانی او جانوری نیرومند است.

وَلَكِنْ أَنْظِرْ إِلَى التَّلْعَبِ. هُوَ يَنْتَظِرُ مُسَاعَدَةَ الْآخَرِينَ. فَلَيْسَتْ لَهُ حَيَاةً كَرِيمَةً. فَفَهْمُ الْوَالِدِ وَغَيْرِ نَظَرَتُهُ حَوْلَ الْحَيَاةِ.

ولی به روباه نگاه کن. او کمک دیگران را انتظار می کشد. پس زندگی شرافتمندانه ای ندارد. پس پسر فهمید

و دیدگاهش پیرامون زندگی تغییر کرد.

الف : در قواعد درس با باب «تفعیل» آشنا شدیم، اکنون با توجه به ترجمه آیات در جای خالی از مصدر «تسبیح»

(خدا را به پاکی یاد کردن) فعل مناسب قرار دهید :

۱- ﴿نَحْنُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾ (بقره/ ۳۰)

ما با ستایش تو، از تو به پاکی یاد می کنیم و به تقدیست می پردازیم.

۲- ﴿..... اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾ (انبیاء/ ۲۰)

شبانه روز خداوند را به پاکی یاد می کنند و سستی نمی ورزند.

۳- ﴿فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه/ ۱۳۰)

بر آنچه می گویند، شکیبیا باش و با ستایش پروردگارت از او به پاکی یاد کن.

ب : دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید :

﴿و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ (اسراء/ ۱۰۵)

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/ ۹)

أَنْزَلَ - نَزَّلَ



نَزَّلَ

سؤال :

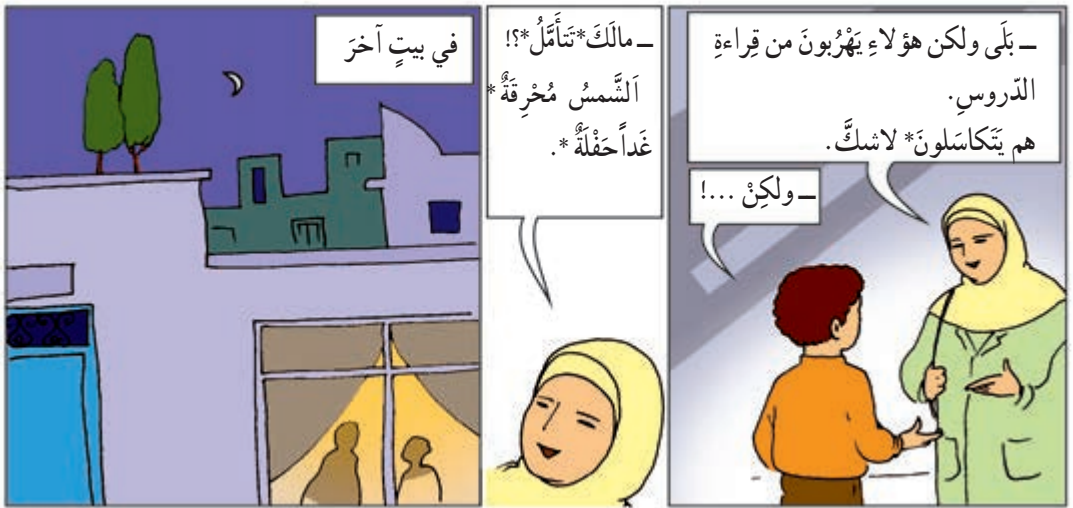
تفاوت میان نَزَّلَ و أَنْزَلَ از جهت لفظ و معنی چیست؟

تفاوت میان نَزَّلَ و نَزَّلَ از جهت لفظ و معنی چیست؟

التلميذ المخالي

*



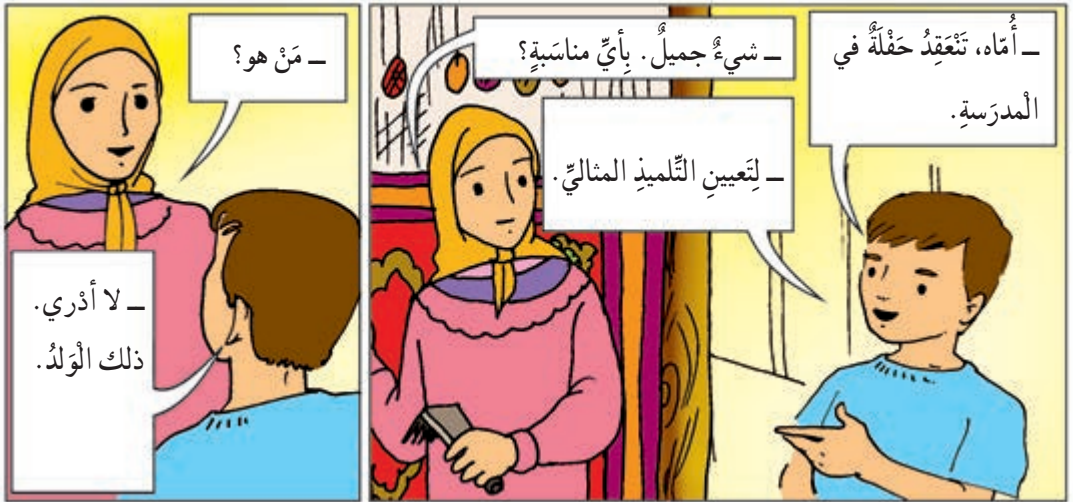


– بلى ولكن هؤلاء يَهْرُبُونَ من قراءة الدروس.
هم يتكاسلون* لاشك.

– ولكن...!

– مالك* تتأمل*؟!
الشمس مُحْرِقَةٌ*
غداً حفلة*.

في بيتٍ آخر



– أمّاه، تَعْقِدُ حَفْلَةً في المدرسة.

– شيءٌ جميلٌ. بأيّ مناسبةٍ؟
– لتعيين التلميذ المثالي.

– مَنْ هو؟

– لا أدري.
ذلك الولد.



– على أيّ حال، هل نذهب معاً يا أمّاه؟

لا بأس.

استيقظ* قبل طلوع الفجرِ و تَوَضَّأ*
و بعد الصلاة، هيئاً* نفسه للذهاب.
فذهب وخذهُ.

– يا بُنَيَّ، أنت تعلم أنّ
غداً* موعد تسليم السجادة*
لصاحبها. لا أفدِر، أسفة*.

في المدرسة

مَرْحَبًا تَفَضَّلُوا.

— شُكْرًا جَزِيلًا.



و بعد دقائق

بدأت المراسيم و بعد إجراء مَسْرَحِيَّةٍ * و أُشْوَذَةٍ .

نحنُ اجْتَمَعْنَا هُنَا لِتَكْرِيمِ * تَلْمِذٍ مِثَالِيَّ . هُوَ أَسْوَدٌ * لِجَمِيعِ فِي الْأَخْلَاقِ وَ فِي الدَّرْسِ وَالْعَمَلِ . هَذَا هُوَ «سَعِيدٌ» .



— إلهي، ماذا أشاهد؟ هو ذلك البائع.

— بُنَيَّ، لَقَدْ اشْتَبَهْتُ لَا، هُوَ النَّاجِحُ فِي الْحَقِيقَةِ نَحْنُ نَتَكَاسَلُ .



أَقْبِلْ * سَعِيدٌ وَ اسْتَقْبَلَهُ الْمُدِيرُ بِحَفَاوَةٍ * وَ بَعْدَ مَصَافِحَتِهِ * عَلَّقَ * عَلَى عُنُقِهِ * وَسَامَ * الْأَجْتِهَادِ وَ النَّشَاطِ . وَ مَنَحَهُ * جَائِزَةً .





ملاک تشخیص
صیغهٔ اول ماضی

مُفَاعَلَةٌ

فَاعَلٌ

يُفَاعِلُ

فَاعِلٌ

بیش از سه حرف
یعنی مزید

تَفَعُّيلٌ

فَعَّلَ

يُفَعِّلُ

فَعَّلٌ

مجرد و مزید

إِفْعَالٌ

أَفْعَلٌ

يُفْعِلُ

أَفْعِلٌ

چرا باب های مزید را می آموزیم؟

آموختن باب های مزید عبارت است از :

فواید

- ۱- آشنایی و فهم معانی فعل های مزید.
- ۲- استفاده از کتاب های لغت (چون اکثر فرهنگ های لغت براساس ریشه سه حرفی تنظیم شده اند).
- ۳- آشنایی با مصدرهای ثلاثی مزید رایج در زبان فارسی.

و اکنون ادامهٔ موضوع ...

معرفة
تَفَعُّيلٌ

۱- ماضی این باب بر وزن «تَفَعَّلَ» می آید : تَعَلَّمَ

۲- مضارع این باب بر وزن «يَتَفَعَّلُ» می آید : يَتَعَلَّمُ

۳- امر این باب بر وزن «تَفَعَّلْ» می آید : تَعَلَّمْ

۴- مصدر این باب بر وزن «تَفَعَّلَ» می آید : تَعَلَّمَ

حال به این سؤالات پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «صَدَّقَ» از باب «تَفَعَّلَ» کدام است؟
- ۲- صیغۀ اوّل ماضی در باب «تَفَعَّلَ» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا می‌توانید سه مصدر از باب تَفَعَّلَ را که در فارسی به کار می‌رود، ذکر کنید؟
- ۴- جاهای خالی را پر کنید :
- هُم (تَصَدَّقُ) - اَنَا (يَتَصَدَّقُ)

مهرنگار

تفاعل

- ۱- ماضی این باب بر وزن «تَفَاعَلَ» می‌آید : تَكَاتَبَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَتَفَاعَلُ» می‌آید : يَتَكَاتَبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «تَفَاعَلْ» می‌آید : تَكَاتَبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «تَفَاعَلْ» می‌آید : تَكَاتَبْ

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «قَبِلَ» از باب «تَفَاعَلَ» کدام است؟
- ۲- صیغۀ اوّل ماضی در باب «تَفَاعَلَ» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- فعل «تَضَارَبَ» ماضی است یا مضارع؟
- ۴- آیا از مصدر باب تفاعل کلماتی در زبان فارسی به خاطر دارید؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :
- هِي (تَعَارَفَ) - هُم (يَتَعَارَفُ)

مهرنگار

افتعال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِفْتَعَلَ» می‌آید : اِكْتَسَبَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يِفْتَعِلُ» می‌آید : يِكْتَسِبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِفْتَعِلْ» می‌آید : اِكْتَسِبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِفْتَعَالِ» می‌آید : اِكْتِسَابِ

صیغۀ اوّل ماضی بر وزن «تَفَاعَلَ»
می‌آید؛ آیا حرف «تاء» از حروف
مضارعه است؟

«احترموا» هم در فعل «امر» است و
هم «ماضی». تشخیص میان این دو
چگونه است؟
اِحْتَرِمُوا ، اِحْتَرَمُوا

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «حَرَمَ» از باب «اِفْتَعَال» کدام است؟
- ۲- صیغهٔ اوّل ماضی در باب «اِفْتَعَال» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا از مصدر باب اِفْتَعَال کلماتی را در زبان فارسی به کار می‌بریم؟
- ۴- جاهای خالی را پر کنید : - اَنْتُمْ ... (يَعْتَدِلُ) - اَنْتَنْ ... (يَعْتَدِلُ «امر»)

مهرنگار

انفعال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِنْفَعَل» می‌آید : اِنْفَلَبْ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَنْفَعِلُ» می‌آید : يَنْفَلِبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِنْفَعِلْ» می‌آید : اِنْفَلِبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِنْفَعَال» می‌آید : اِنْفَالِبْ

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «جَمَدَ» از باب اِنْفَعَال کدام است؟
- ۲- باب «اِنْفَعَال» چند حرف زاید دارد؟ (معیار، فعل ماضی است)
- ۳- آیا در باب «اِفْتَعَال» و «اِنْفَعَال» تفاوتی از لحاظ قرار گرفتن حروف زاید مشاهده می‌کنید؟
- ۴- آیا از مصدر باب «انفعال» در زبان فارسی کلماتی را سراغ دارید؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید : - اَنَا ... (يَنْصَرِفُ) - اَنْتَنْ ... (يَنْصَرِفُ «امر»)

مهرنگار

استفعال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِسْتَفْعَلُ» می‌آید : اِسْتَحْرِجْ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَسْتَفْعِلُ» می‌آید : يَسْتَحْرِجُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِسْتَفْعِلْ» می‌آید : اِسْتَحْرِجْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِسْتَفْعَالُ» می‌آید : اِسْتِحْرَاجُ

«اِنْتَشَرَ» و «اِنْفَلَبْ» کدام از باب «اِفْتَعَال» است و کدام «اِنْفَعَال»؟

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «قَبِلَ» از باب «استفعال» کدام است؟
- ۲- باب استفعال چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا میان معنای «قَبِلَ» و «اِسْتَقْبَلَ» تفاوتی را مشاهده می‌کنید؟
- ۴- آیا معمولاً میان معانی فعل‌های مجزّد و مزید تفاوتی وجود دارد؟ مثال بزنید.
- ۵- جاهای خالی را پر کنید : - هُمْ ... (اِسْتَقْبَلُ) - اَنْتْ ... (يَسْتَقْبِلُ «امر»)

با دانستن ابواب مزید تقریباً تمامی افعال را شناخته‌ایم.

التمرين الأول

عَيِّن الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ :



- ١- اِنْعَمَدَتِ الْحَفْلَةَ لِتَعْيِينِ التَّلْمِيذِ النَّاجِحِ .
- ٢- اَلتَّلْمِيذُ الْمُنَالِي يُسْتَعَلُّ بِالدَّرَاسَةِ وَبِتَيْعِ الصُّحُفِ .
- ٣- اَلَّذِي يَدْرُسُ وَ يَعْمَلُ لَا يُمَكِّنُ لَهُ التَّجَاحُ .
- ٤- اَلَّذِي يَجْمَعُ بَيْنَ الْعَمَلِ وَ الدَّرَاسَةِ يَعْرِفُ قِيَمَةَ الْوَقْتِ .

التمرين الثاني

عَيِّن الأفعالَ المزيدهُ ثم اكتبها في مكانها المناسب :

(
(
(
(
(
(

- ١- ﴿يَتَّقِلِبُ﴾* إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿﴾
- ٢- ﴿جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ﴾
- ٣- ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا﴾
- ٤- ﴿رَبَّنَا ... كَفَّرْنَا سَيِّئَاتِنَا﴾
- ٥- ﴿اسْتَجَبَّ لَهُ وَ جُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ﴾

التمرين الثالث

اَكْمِلِ الْفُرَاغَ مَنَاسِبًا لِلضَّمِيرِ :

أَنْتُمْ	أَنْتُنَّ	أَنْتُمَا	هُمَا	هُنَّ	هُمُ
إِسْتَضَعْتُمْ			إِسْتَضَعْنَا		مَاضِي إِسْتَضَعْتُمْ
	تَتَعَارَضْنَ			يَتَعَارَضْنَ	مُضَارِع يَتَعَارَضْنَ
		تَعَلَّمَا			أَمْر تَعَلَّمَا

اُكْتُبْ كُلَّ فِعْلٍ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ :

اِفْتَتَحَ، اجْتَنَبُوا، نَكْتَسِبُ، تَبَسَّمُ، يَنْتَصِرُونَ ،
انْصَرَفَ، اِسْتَرَكَنَا، اِنْقَلَبَ، تَنْزَلُ، تَنْبَسِطُ

اِنْفِعَال

تَفْعُل

اِفْتِعَال

عَيِّنِ الصَّحِيحَ :

- ١- لَا يَسْتَسْلِمُ الْأَحْزَارُ لِلظُّلْمِ . انسان های آزاده در برابر ظلم.....
 تسلیم نشدند تسلیم نمی شوند نباید تسلیم شوند
- ٢- ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ! جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ.....﴾ ای پیامبر، با کافران و منافقان
 جهاد کردی جهاد می کنی جهاد کن
- ٣- تَعَلَّمَ حُسَيْنٌ الْاِسْتِمَاعَ كَمَا تَتَعَلَّمُ حُسَيْنَ الْحَدِيثِ .
 خوب گوش کردن را همان طور که خوب صحبت کردن را
 بیاموز - آموختی می آموزی - آموختی بیاموز - می آموزی



- گاهی در ترجمه فعل های باب تَفَاعُل و مُفَاعَلَة به آوردن یک «با» نیاز داریم.
- فعل های باب «انفعال» به صورت «لازم» ترجمه می شوند.
- فعل های باب «افتعال» و «تفعل» لازم و گاهی متعدی هستند.
- فعل های باب «استفعال» غالباً متعدی هستند.

ترجمه زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

«الْشَّهَامَةُ»

سَمِعَ الْغَزَالُ الصَّغِيرُ كَلَامَ الْأَسَدِ وَ الدُّبِّ. هُمَا يَتَحَدَّثَانِ وَ يَنْفَاخِرَانِ بِقَتْلِ الْحَيَوَانَاتِ وَ السَّيْطَرَةِ عَلَى الْغَابَةِ.

دلاوری

آهوی کوچک سخن شیر و روباه را می شنود. آن دو صحبت می کنند و به کشتن جانوران و چیرگی بر جنگل افتخار می کنند.

عِنْدَمَا رَجَعَ الْغَزَالُ سَأَلَ أُمَّهُ: يَا أُمَّاهُ، عِنْدَمَا يَفْتَخِرُ الْآخَرُونَ بِقُوَّتِهِمْ نَحْنُ بِمَاذَا نَفْتَخِرُ؟!
وقتی که آهو رفت؛ از مادرش پرسید: مادر جان، هنگامی که آنان به نیرویشان افتخار می کنند ما به چه چیزی افتخار کنیم؟

قَالَتْ الْأُمُّ: نَحْنُ تَحَمَّلْنَا صُعُوبَةَ الْحَيَاةِ بِشَهَامَةٍ بَيْنَ هَذِهِ الْوَحُوشِ سِنَوَاتٍ طَوِيلَةٍ وَلَكِنْ مَا انْهَرَمْنَا وَ مَا تَرَكْنَا الْغَابَةَ وَ اكْتَسَبْنَا رِزْقَنَا.

مادر پاسخ داد: ما یک سال طولانی سختی زندگی را میان این جانوران وحشی با شهامت تحمل کردیم ولی شکست نخوردیم و جنگل را رها نکردیم و روزی به دست آوردیم.
هذا فَحَرْنَا يَا وَلَدِي. اِبْتَسَمَ الْغَزَالُ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ بِاِفْتِخَارٍ.
ای فرزندم، این افتخار است. آهو لبخند زد و سرش را با افتخار بلند کرد.

الف: با توجه به معنی فعل‌های زیر، ترجمه آیات را کامل کنید. نوع، صیغه و مصدر فعل‌های تعیین شده را بنویسید:

تَكَبَّرَ (تکبر ورزید) اِسْتَكْبَرَ (سرکشی کرد) كَبَّرَ (بزرگ داشت)

۱- ﴿سَأَصْرِفُ عَنِ آيَاتِي الَّذِينَ يَكْتَبُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (اعراف / ۱۴۶)

به زودی کسانی را که در زمین به ناحق ، از آیاتم روی گردان خواهم ساخت.

نوع صیغه مصدر

۲- ﴿اِسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (قصص / ۳۹)

او و سپاهیان‌ش به ناحق در زمین

نوع صیغه مصدر

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ﴾ (مدثر / ۱-۳)

ای جامه در سر کشیده، برخیز و بیم ده و پروردگارت را

نوع صیغه مصدر

ب: دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید:

﴿فَاِسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ (آل عمران / ۱۳۵)

پس برای گناهان خویش آمرزش خواستند و کیست جز خدا که گناهان را بیامرزد؟

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ (نصر / ۳)

پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است.

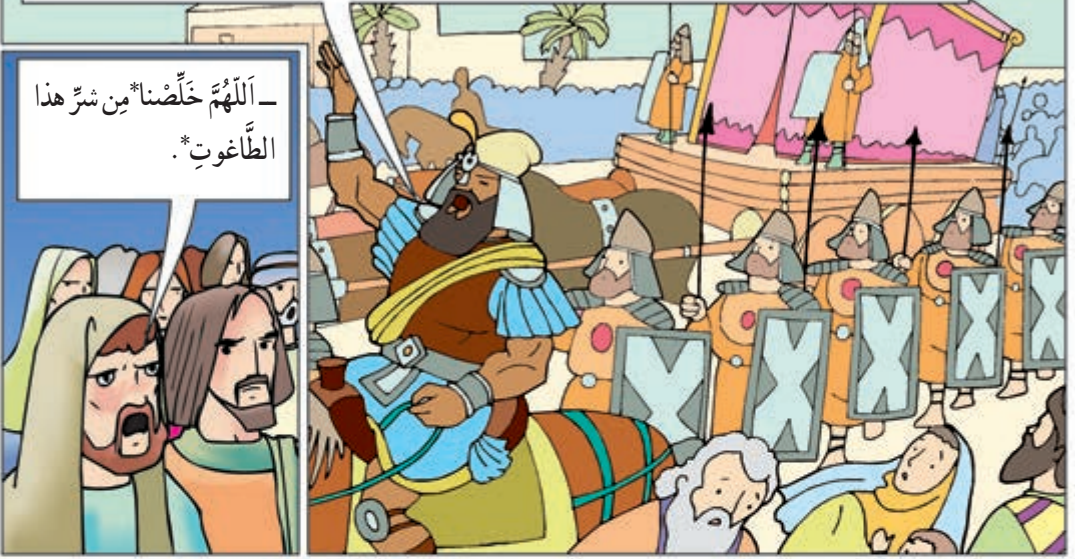
سؤال

۱- تفاوت میان عَفَرَ و اِسْتَعْفَرَ از جهت معنی چیست؟

۲- تفاوت میان عَفَرَ و اِسْتَعْفَرَ از جهت لفظ چگونه است؟

أَيُّهَا النَّاسُ مَوْكِبُ* صَاحِبِ الْجَلَالَةِ* «قَارُونَ» الْمُعْتَمِدُ فِي الطَّرِيقِ. ائْتِعِدُوا*.

— أَللَّهُمَّ خَلِّصْنَا* مِنْ شَرِّ هَذَا
الطَّاغُوتِ*.



— يَا لَيْتَ* لَنَا ثَرَوَةَ قَارُونَ!

— أَنْظُرْ. لَقَدْ خَرَجَ قَارُونَ
فِي زِينَتِهِ*.

— إِنَّهُ شَرُّ مَخْلُوقٍ.

— أَخِي، مَا الْفَائِدَةُ فِي ثَرَوَةٍ وَّرَاءَ* هَالعِنَّةِ
النَّاسِ؟ إِنَّهُ كَافِرٌ بِنِعْمَةِ اللَّهِ.







— إِنَّكَ سَتَشَاهِدُ جَزَاءَ عَمَلِكَ.



— ما هذه الكلمات؟!
— أَخْرَجُوا، أُتْرِكُوا
قَصْرِي.

— أَنْتُمْ مُفْسِدُونَ.



لا، تَطْلُبُ الْمَالَ.
وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ* وَ
الْفِضَّةَ* وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ*.



— أُنزِلَ اللَّهُ عَلَى
قَارُونَ الْعَذَابِ.



— ماذا حَدَّثَ؟
ماذا حَدَّثَ؟



الْفِرَارَ،
الْفِرَارَ.

— هذه عاقبةُ
المُكْدِبِينَ.



— سَمِعْتُ أَنَّ مُوسَى (ع)
دَعَا قَارُونَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ.

— نعم، ولكن هو كافرٌ بِدِينِ
المُرْسَلِينَ.



الْتَّجَدَةَ.

سَأَنْفِقُ أَمْوَالِي.
سَأُسَاعِدُ الْفُقَرَاءَ.

لَاتَ* حِينَ مَنَاصِي*.

وَهَكَذَا أَبْتَلَعَتْهُ الْأَرْضُ وَذَهَبَتِ الرَّيْبَةُ وَالْمُؤَكَّبُ وَالْقُصُورُ. وَأَصْبَحَ قَارُونَ عِبْرَةً لِلْأَجْيَالِ*.



اسم جامد و اسم مشتق

اسم‌ها یا از کلمه دیگری گرفته شده‌اند که به آنها «اسم مشتق» گفته می‌شود یا از کلمه دیگری گرفته نشده‌اند که به آن «اسم جامد» می‌گوییم. در این کتاب با هفت نوع از مشتقات آشنا می‌شویم.



- اسم فاعل در فعل ثلاثی مجرد بر وزن «فاعِل» می‌آید.
اسم فاعل از فعل‌های «كَتَبَ، نَصَرَ، حَمِدَ و فَتَحَ» می‌شود:
کاتب، ناصر، حامد و فاتح
- اسم مفعول در فعل ثلاثی مجرد بر وزن «مُفْعول» می‌آید.
اسم مفعول از فعل‌های «كَتَبَ، نَصَرَ، حَمِدَ و فَتَحَ» می‌شود: مَكْتُوب، مَنصُور، مَحْمُود و مُفْتوح
- اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید از فعل مضارع ساخته می‌شود.
به جای حرف مضارع، میم مضموم «مُ» می‌آید و حرف پیش از آخر کسره می‌گیرد.
به چگونگی ساخت اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید دقت کنید.

يُشَاهِدُ ← مُشَاهِدٌ	يُرْسِلُ ← مُرْسِلٌ	يُعَلِّمُ ← مُعَلِّمٌ
يَنْتَظِرُ ← مُنْتَظِرٌ	يَتَعَادَلُ ← مُتَعَادِلٌ	يَتَقَدَّمُ ← مُتَقَدِّمٌ
يَسْتَخْرِجُ ← مُسْتَخْرِجٌ	يَنْقَطِعُ ← مُنْقَطِعٌ	

● اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید نیز از فعل مضارع ساخته می‌شود و از هر لحاظ مانند اسم فاعل است. غیر از این که حرف پیش از آخر آن فتحه است. مثال :

اسم مفعول	اسم فاعل	فعل ثلاثی مزید
مُنْتَظَرٌ	مُنْتَظِرٌ	يَنْتَظِرُ
مُقَدَّدٌ	مُقَدِّدٌ	يُقَدِّدُ
مُخْرَجٌ	مُخْرِجٌ	يُخْرِجُ

● به معنی اسم فاعل و اسم مفعول توجه کنید.

مَعْبُودٌ : پرستش شده	عَابِدٌ : پرستش کننده
مَكْتُوبٌ : نوشته شده	كَاتِبٌ : نویسنده
مَنْصُورٌ : یاری شده	نَاصِرٌ : یاری کننده
مُشَاهَدٌ : دیده شده	مُشَاهِدٌ : بیننده
مُرْسَلٌ : فرستاده شده	مُرْسِلٌ : فرستنده
مُقَدَّدٌ : تقلید شده	مُقَدِّدٌ : تقلید کننده

التمرين الأول

عَيِّن الجوابَ الصَّحِيحَ :

١- أَمَرَ قَارُونَُ بِدَفْعِ دِينَارٍ لِأَوْلِيائِكَ الرِّجَالِ لـ

الف - تَحْقِيرِهِم ج - تَخْوِيفِهِم

ب - مُسَاعَدَتِهِم د - تَبْشِيرِهِم

٢- قَارُونَُ ... ، عِنْدَ تَرْوِيلِ العَذَابِ .

الف - سَاعَدَ الْفُقَرَاءَ ج - قَصَدَ الرُّجُوعَ عَنِ كُفْرِهِ

ب - مَا قَصَدَ مُسَاعَدَةَ الْفُقَرَاءِ د - أَنْفَقَ أَمْوَالَهُ

التمرين الثاني

این حروف چین قصد دارد با استفاده از حروف اصلی پراکنده اسم فاعل و اسم مفعول در جاهای خالی قرار دهد، به او کمک کنید تا فراهایی از دعای «جوشن کبیر» به دست آید :

يا صَائِعَ* كُلِّ مَضْنُوعٍ

..... يا كُلِّ

..... يا كُلِّ

..... يا كُلِّ

..... يا كُلِّ

..... يا كُلِّ

(اسم مفعول)

(اسم فاعل)

ل	و	ق	خ	م	ل	ق	خ
ر	و	ق	ز	م	ر	ق	ز
ب	و	ل	م	م	ل	ل	م
ب	و	ر	ك	م	ك	ك	ف
	و	ي	ع	م	ت	ر	

١
٢
٣
٤
٥

التَّمْرِينُ الثالث

این دو نفر از تابلوی افعال، اسم فاعل و اسم مفعول ساخته اند. پیش بینی کنید تابلوهای بعدی چگونه خواهد بود و یا تابلوهای ساخته شده، قبلاً چگونه بوده اند؟ معنی آنها را نیز بنویسید:

اسم مفعول	اسم فاعل	ترجمه	فعل
.....	شاهد
.....	استخرج
.....	اعتمد
.....	مُبَشِّرٌ
.....	مُنْتَظَرٍ

التَّمْرِينُ الرابع

عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ: (=، ≠)

الرَّخِيسُ..... البَاهِظُ	الوالِدَةُ..... الأُمُّ	شاهد..... رَأَى
مَنَحَ..... وَهَبَ	لأَدْرِى..... لا أَعْلَمُ	الْبَيْعُ..... الشَّرَاءُ
بَعِيدٌ عَنِ..... قَرِيبٌ مِنْ	أُخْرِجُ..... أَدْخُلُ	وَرَاءَ..... خَلْفَ



«اسم فاعل» بر انجام دهنده یا دارنده حالتی بودن دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت فاعلی» است؛ مانند: ناصر: یاری کننده، مُنذِر: بیم دهنده
صفت فاعلی در زبان فارسی دارای پسوندهایی از قبیل «نده، ا» است؛ مانند: بیم دهنده، دانا
□ «اسم مفعول» بر «انجام شدن و یا واقع شدن» دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت مفعولی» است؛ مانند: منصور: یاری شده، مُحترَم: احترام شده
در ترجمه اسم مفعول گاهی از مصدر «شدن» استفاده می کنیم؛ مانند: مُستضعَف: ضعیف نگاه داشته شده

غلط های ترجمه های فارسی زیر را تصحیح کنید:

- ۱- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ..... الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾
مؤمنان محققاً رستگار شدند..... کسانی که از بیهوده دور شده اند.
- ۲- مُشَاوَرَةُ الْمُسْتَفِيقِ الْجَاهِلِ حَظْرٌ.
مشورت کننده دلسوز نادان خطرناک است.
- ۳- ﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾
رسولان را جز بشارت داده شده و بیم داده شده نمی فرستیم.
- ۴- الْعَقْلُ مُصْلِحٌ كُلِّ أَمْرٍ.
عقل اصلاح شده هر کاری است.
- ۵- الْمُسْتَضْعَفُونَ هُمْ وَاِرثُونَ الْأَرْضَ.
ضعیف کنندگان همان وارثان زمین هستند.

ترجمه تحت اللفظ در صورتی
مقبول است که روان و گویا
باشد.

کاستن و یا افزودن در ترجمه
عبارت ها، (بدون ضرورت خاصی)
به اصالت ترجمه خدشه وارد
می کند.

الف: شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شدید، اکنون هر یک از آن‌ها را با توجه به معنی آیات، در جای

خالی مناسب قرار دهید:

المُرْسَلِينَ، المُكذِّبِينَ، مُبَشِّرِينَ، مُنذِرِينَ

۱- ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ و﴾ (بقره/ ۲۱۳)

خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده برانگیخت.

۲- ﴿فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِّنْ﴾ (شعراء/ ۲۱)

[پروردگارم] به من دانش و حکمت بخشید و مرا از فرستاده‌شدگان قرار داد.

۳- ﴿فسيروا في الأرضِ فانظروا كيفَ كانَ عاقبَةُ﴾ (نحل/ ۳۶)

بنابراین در زمین حرکت کنید و بنگرید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

ب: دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید:

﴿يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (أحزاب/ ۴۵)

ای پیامبر، ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم.

﴿و ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾ (کهف/ ۵۶)

و ما پیامبران را جز بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم.

سؤال: تفاوت میان «شاهدًا، مُبَشِّرًا» از لحاظ اشتقاق چیست؟

.....

شباهت میان «مُرْسَلِينَ، مُنذِرِينَ» از چه جهتی است؟

.....

ذَهَبَ الإمامُ عليٌّ (عليه السَّلَامُ) مَعَ خَادِمِهِ الشَّابِّ إِلَى السُّوقِ.

سوقُ البَزَائِينِ*

أَلْبِسَةُ* مِنْ أَحْسَنِ الْأَنْوَاعِ.



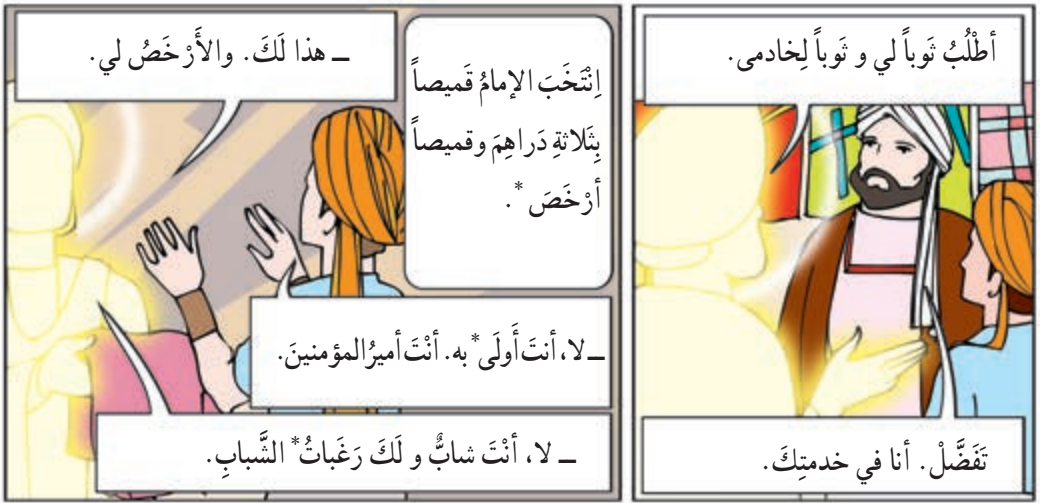
هل عندكَ قَمِيصٌ* لي و قَمِيصٌ لِخَادِمِي؟



لَمَّا* عَلِمَ أميرُ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الْبَائِعَ قَدَعَرَفَهُ؛
تَرَكَ الْمَكَانَ وَ ذَهَبَ إِلَى دُكَّانٍ آخَرَ.



نَعَمْ يَا أميرَ الْمُؤْمِنِينَ. تَفَضَّلْ. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.





بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ صَوَّرَ* الْوَالِدُ الْمَشْهَدُ* التَّالِيَّ لَهُ.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

أَحَدُ الصَّحَابَةِ:

رَسُولُ اللَّهِ حَزِينٌ. مَاذَا نَعْمَلُ؟

سَلْمَانُ:

أَنَا أَعْرِفُ مَاذَا أَعْمَلُ. هُوَ يَفْرَحُ بِزِيَارَةِ بِنْتِهِ
فَاطِمَةَ.



فَدَهَبَ سَلْمَانُ إِلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ (س) وَأَحْبَرَهَا.

فِي الطَّرِيقِ

لَمَّا شَاهَدَ سَلْمَانُ أَلْبَسَةَ فَاطِمَةَ (س)، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ*.

وَاحْرُنَاهُ! إِنَّ بَنَاتِ قَيْصَرَ* وَ كِشْرَى*
لَفِي السُّنْدُسِ* وَالْحَرِيرِ وَ لِبَاشِ ابْنَةِ
مُحَمَّدٍ هَكَذَا*.



فَاطِمَةُ (س):

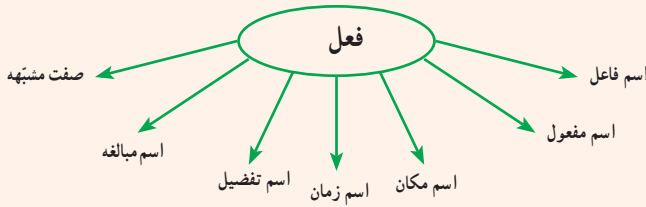
يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ أَلْبِسَتِي.

عِنْدَ النَّبِيِّ (ص)

بَعْدَ دَقَائِقَ

رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا سَلْمَانُ، إِنَّ ابْنَتِي لَفِي «الْحَبْلِ السَّوَابِقِ»*.





از خود سؤال کنید :

۱- مشتقات به چند قسم تقسیم می شوند؟

۲- مشتقات از چه کلمه ای گرفته می شوند؟

۳- ملاک تشخیص جامد یا مشتق بودن کلمه کدام است؟

۴- «مشتق» در اصطلاح علم صرف در مورد کدام یک از اقسام کلمه صحبت می کند؟

۵- جامد و مشتق از لحاظ لغوی به چه معنی هستند؟

۶- دو قسم از انواع مشتقات را که تاکنون خوانده اید ذکر کنید.



به تصویر شماره ۱ و ۲ نگاه کنید.

زمان وارد شدن به خانه هنگام غروب خورشید است.

در تصویر شماره ۲ مادر در جایی مشغول آشپزی است.

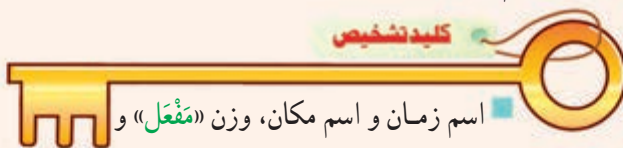


مطبخ : مکان طبخ
مغرب : زمان غروب
مشرق : زمان شروق و طلوع
مسکن : محل سکونی و آرامش

اسم های زمان و مکان نشان دهنده زمان وقوع و یا

مکان وقوع فعل است.

* اسم زمان و اسم مکان هر دو بر یک وزن می آید.



از خود سؤال کنید:



چند مثال از اسم های زمان و مکانی که در زبان فارسی نیز به کار می رود، ذکر کنید.

آیا با «صفت» در زبان فارسی آشنا هستید؟



آیا می دانید که یکی از انواع صفت در فارسی، صفت ساده است، مانند: خوب، شجاع؟

صفات ساده فارسی اغلب در زبان عربی همان صفت مشبّهه هستند.



مهم ترین وزن های صفت مشبّهه عبارتند از:

فَعِيل : شَرِيف
فَعْل : صَعْب
فَعْلان : عَطْشان
فَعْل : حَسِن

از خود سؤال کنید:

۱- آیا می توانید چند صفت ساده در زبان فارسی نام ببرید؟

۲- جواب صحیح کدام است؟

الفَرِح یعنی: شادی کردن ○ شادی می کند ○ شاد ○



آیا تا به حال دقت کرده اید که گاهی صفتی بیش از اندازه



معمول در کسی وجود دارد؛ مثل صبر و پایداری زیاد؟

به صاحبان شغل نگاه کنید: بقال، عطّار، قصاب، خباز و ...

آیا این افراد با شغل خود زیاد سر و کار ندارند؟

زیاد بودن یک صفت در انسان یا بسیار پرداختن بدان، دلیل بر «مبالغه» در آن صفت است.



اسم‌هایی که بر وزن **فَعَال** یا **فَعَالَة** می‌آیند، اسم مبالغه هستند. مانند: «غَفَّار»، «عَلَّامَة»

از خود سؤال کنید:



- ۱- فرق صفت مشبّهه و اسم مبالغه در چیست؟ آیا شباهتی هم با هم دارند؟
- ۲- آیا می‌توانید چند اسم مبالغه که در زبان فارسی به کار می‌رود، ذکر کنید؟
- ۳- جواب صحیح کدام است؟ «الأمارة» یعنی:
 - دستور
 - بسیار امرکننده
 - امر کرد

ترجمه دو صفت «کوچک» و «بزرگ» به عربی می‌شود «صغیر» و «کبیر». اما ترجمه صفت‌های «کوچک‌تر، کوچک‌ترین» و «بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» در عربی چیست؟



اسم تفضیل در زبان عربی معمولاً بر وزن «أَفْعَل» می‌آید: أَحْسَن، أَكْبَر و در مؤنث گاهی بر وزن «فُعَلَى»: حُسْنَى، كُبْرَى

اسم تفضیل نمایانگر کمتر یا زیادتر بودن صفتی در کسی یا چیزی نسبت به دیگری است.

از خود سؤال کنید



- ۱- آیا در زبان فارسی اسم تفضیل داریم؟ مثال بزنید.
- ۲- جواب صحیح کدام است: «أَشْجَع» یعنی:
 - شجاع‌تر
 - بسیار شجاع
 - شجاعت نشان می‌دهد

تمرین اول

در آیات و عبارات های زیر اسم های مشتق به شکل متضاد به کار رفته، آن ها را با ذکر نوع مشتق داخل دایره بنویسید :



- ۱- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا... بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾
- ۲- ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾
- ۳- لَوْ عَلِمَ * النَّاقِصُ بِنَقْصِهِ لَكَانَ كَامِلًا.

تمرین ثانی

عین نوع المشتق الذي أُشير إليه بخط و اكتبه في الجدول :

- ۱- ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ * بِالسُّوءِ *﴾
- ۲- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾
- ۳- ﴿...رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾
- ۴- ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ﴾

معنى	نوع

الإنعاب و التحليل الصرفي

هر «کلمه» را می توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد :

الف - ویژگی های فردی

ب - نقش آن در جمله

به جمله «نَجَعَ الطَّالِبُ» دقت کنید :

چه ویژگی هایی را می توانیم برای «الطالب» ذکر کنیم؟

آیا اسم است یا فعل، مفرد است یا مثنی یا جمع، مذکر است یا مؤنث؟

«الطالب» در جمله چه نقشی دارد؟

آیا فاعل است یا مبتدا یا مفعول، در نتیجه آیا مرفوع باید باشد یا منصوب یا مجرور؟

اکنون بدانیم که :

■ بررسی ویژگی های «فردی» هر کلمه - بدون در نظر گرفتن موقعیت آن در جمله - در زبان

فارسی «تجزیه» نام دارد و در عربی «التحليل الصرفي».

■ بررسی نقش هر کلمه – با توجه به موقعیت آن در جمله – در زبان فارسی «ترکیب» نام دارد و در عربی «الإعراب».

بنابراین بر طبق قواعدی که تا کنون خوانده‌ایم، برای هر یک از اقسام کلمه در «الإعراب و

التحليل الصرفي» موارد ذیل را باید به ترتیب تشخیص دهیم:

اسم: مفرد یا مثنی یا جمع (عدد) – مذکر یا مؤنث (جنس) – مشتق یا جامد ...

و نقش و اعراب آن در جمله (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، جار و مجرور و ...)

فعل: ماضی یا مضارع یا امر – صیغه (غائب، مخاطب، متکلم) مجرد یا مزید ...

و نقش آن در جمله و اشاره به فاعل آن.

حرف: نوع آن و ...

در نتیجه با توجه به مطالب فوق «الإعراب و التحليل الصرفي» جمله «نَجَحَ الطَّالِبُ» چنین خواهد بود:

نَجَحَ: فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجرد ثلاثي / فعلٌ و فاعلُهُ «الطالب» و الجملة فعليةٌ

الطالب: اسمٌ، مفردٌ، مذکر، مشتقٌ و اسمٌ فاعل / فاعلٌ و مرفوعٌ

التَّحْرِيقُ الثَّالِثُ

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا صَالِحًا.

رَزَقَ:

الف – فعلٌ ماضٍ، للغائبة، مزید ثلاثي.

ب – فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجرد ثلاثي.

ج – فعلٌ مضارع، للمخاطب، مزید ثلاثي.

صالح:

الف – اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم مفعول).

ب – اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم فاعل).

ج – اسم، مثنی، مؤنث، مشتق (اسم مكان).

١- لِلْغَائِبِ أَيْ لِلْمَفْرَدِ الْمَذْكَرِ الْغَائِبِ



□ در ترجمه اسم‌های مبالغه معمولاً از قید «بسیار» استفاده می‌کنیم؛ مانند: غفّار: بسیار آمرزنده
 □ گاهی میان اسم‌های تفضیل از لحاظ ظاهری با فعل ماضی باب افعال مشابهت ایجاد می‌شود، توجه به مفهوم عبارت راهگشای مسأله است. مثال:

هو أَحْسَنُ إِلَىٰ أَوْلَادِهِ. او به دوستانش خوبی کرد.

شاهدنا أَحْسَنَ الطُّلَّابِ. بهترین دانش‌آموزان را دیدیم.

□ اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِن» بیاید، به صورت صفت تفضیلی ترجمه می‌شود:
 أحسن من ... : نیکوتر از ...

و اگر همراه «مِن» نیاید، معمولاً به صورت صفت عالی ترجمه می‌شود: أَحْسَنُ كِتَابٍ: بهترین کتاب
 ترجمه زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

أَفْضَلُ إِنْسَانٍ : (برترین انسان)

دَخَلَ وَفَدَّ مِنَ التُّجَّارِ فِي مَجْلِسِ أَمِيرٍ. بَدَأَ فَتَىٰ ذَكِيًّا بِالْكَلَامِ نِبَاءَةً عَنِ قَوْمِهِ. فَأَشَارَ إِلَيْهِ الْأَمِيرُ: أَلَيْسَ فِي الْمَجْلِسِ أَكْبَرُ مِنْكَ؟!

هیأتی از بازرگانان وارد مجلس امیری می‌شود جوانی باهوش به جانشینی از سوی مردم خودش صحبت کرد. امیر به او اشاره کرد: آیا در مجلس بزرگ‌تر از تو هست؟

عِنْدَئِدِ قَالَ الْفَتَى «الْعَلَامَةُ» بِشَهَامَةٍ: أَيُّهَا الْأَمِيرُ، قِيمَةُ الْإِنْسَانِ بِعَقْلِهِ وَ لِسَانِهِ.

در این هنگام جوان دانا با شهامت گفت: ای امیر، ارزش انسان به خرد و گفتار اوست.
 حِينَمَا رَزَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ عَقْلاً كَامِلاً وَ لِسَاناً فَصِيحاً فَلَهُ فَضِيلَتَانِ.

هنگامی که خداوند به انسان خردی کامل و زبانی شیوا روزی خواهد داد پس برایش چند فضیلت هست.
 لَوْ كَانَتْ قِيمَةُ الْإِنْسَانِ بِسِنِّهِ؛ لَكَانَ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ مَنْ هُوَ أَحَقُّ مِنْكَ بِالْحُكْمِ.

اگر ارزش انسان به سن باشد؛ حتماً در آن مجلس کسی هست که از شما در حکومت تواناتر است.
 عِنْدَئِدِ سَكَتَ الْأَمِيرُ وَ عَجَزَ عَنِ جَوَابِ الْفَتَى الصَّغِيرِ.

در این هنگام امیر شگفت‌زده شد و از پاسخ جوان کوچک برآشت.

الف : در متن درس با کلمه «أَعْلَمُ» آشنا شدید، اکنون دیگر مشتقات از این ریشه را در آیات زیر مشخص کنید و نوع و ترجمه آن را در مستطیل‌ها بنویسید :

ترجمه	نوع	
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (فاطر/ ۳۸)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۲- ﴿إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (مائدة/ ۱۰۹)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۳- ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (مَعَارِجُ/ ۲۴)

ب : پس از خواندن آیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید :

﴿وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ (التساء/ ۱۲۵) ﴿وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام/ ۱۰۳)

معنی کلمه‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟

خلیل :	<input type="checkbox"/> دوست بودن	<input type="checkbox"/> دوست	<input type="checkbox"/> دوستی انتخاب می‌کند
لطیف :	<input type="checkbox"/> مهربانی کرد	<input type="checkbox"/> مهربانی	<input type="checkbox"/> مهربان
خبیر :	<input type="checkbox"/> آگاه	<input type="checkbox"/> آگاه کردن	<input type="checkbox"/> آگاه تر

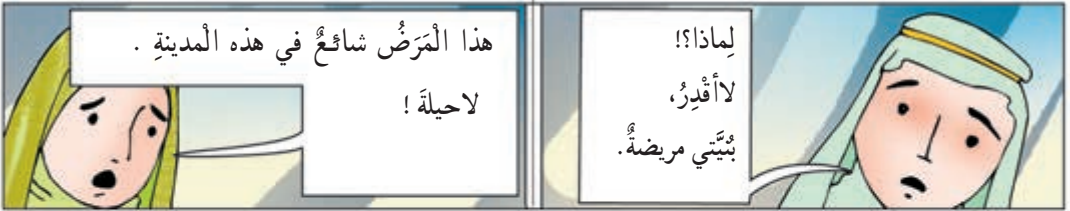
فیه ما فی ترمیم البلاغة

«القرآن»

تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ. وَتَفَقَّهُوا^۱ فِيهِ فَإِنَّهُ رِبْعُ الْقُلُوبِ. أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ ...
 «الخطبة ۱۱۰»
 تَرْجِمِ الْجُمْلَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ وَعَيِّنْ نَوْعَ الْمُسْتَقَاتِ الْمُشَارِ إِلَيْهَا بِخَطِّ :

۲- أَنْفَعُ : سودمندترین

۱- تَفَقَّهُوا : بفهمید و درک کنید





نَطَلُبُ علماءَ الْبِلَادِ لِلْبَحْثِ * حَوْلَ
هذا الْأَمْرِ.

طَيِّبٌ.



أَحْسَنْتَ! هُنَاكَ * عَالِمٌ مشهورٌ في مدينةِ الرَّازِيّ، هو طيِّبٌ حاذِقٌ *.

قصدُكَ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الرَّازِيّ

مُكْتَسِفُ الْكُحُولِ *؟!!

جَيِّدٌ،

أَطْلُبُوه بِإِعْزَازٍ * وَإِكْرَامٍ.



عِنْدَ الرَّازِيّ

أَيْهَا الْعَالِمُ الْجَلِيلُ، مَدِينَتُنَا فِي مُشْكَلَةٍ عَظِيمَةٍ. الْأَمْرَاضُ شَاعَتْهُ وَ لَيْسَ لَنَا مُسْتَشْفَى مُنَاسِبٌ.

لِمَاذَا لَا تُبَادِرُونَ * بِنِيبَاءِ الْمُسْتَشْفَى؟

مَشْكَلَتُنَا الْخُصُوصُ * عَلَى مَكَانٍ
مُنَاسِبٍ لِلْمُسْتَشْفَى.

طَيِّبٌ.

إِخْتِلَافٌ كَثِيرٌ بَيْنَ الْأَطْبَاءِ حَوْلَ
تَعْيِينِ الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ.



إِلَى آخِرِ الْأَسْبُوعِ *.



أَنَا أَفَكَّرُ فِي هَذَا الْأَمْرِ.

إِلَى مَتَى؟



و بعد أيام
ها، وَجَدْتُ.



في البيت
اللَّهُمَّ، أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى طَلْبَتِي وَ تَعَلَّمَ حَاجَتِي.
اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فَهْمًا وَ عِلْمًا.
إِلَهِي، إِنَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِنَّاكَ نَسْتَعِينُ.



و ماذا نَفْعَلُ نحنُ بهذه الأقسام؟
و أنا سأخبرُكم* بالنتيجة.
و علقوا كلَّ قِسمٍ في ناحيةٍ من المدينة



إذبحوا حَرُوفًا* وَ قَسَمُوا
لَحْمَهُ إِلَى خَمْسَةِ أَقْسَامٍ.

و بعد أيام عيّن الزازي أحسن مكانٍ لبناءِ المُستشفى.



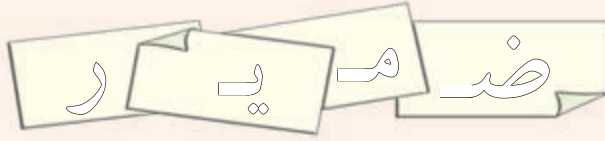
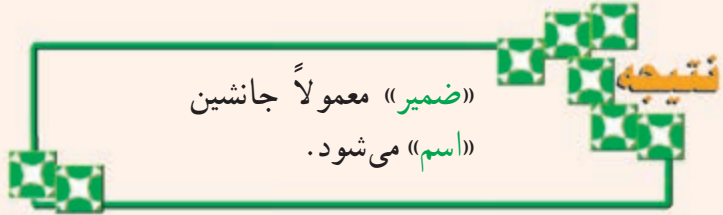
ذهبتُ كلَّ يومٍ إلى نواحي* المدينة و شاهدتُ التَّغييراتِ الحاصلةَ لِقِطْعِ
اللَّحْمِ. وَ وَصَلْتُ إلى هذه النتيجةِ أَنَّ
كلَّ ناحيةٍ يَفْسُدُ فيها اللَّحْمُ مُتَأَخَّرًا*
أحسُنُ مكانٍ لبناءِ المُستشفى.



في المجلسِ الاستشاريِّ
أيُّها العالمُ الجليلُ، أخبرنا عن
سيرِّ تعليقِ اللَّحْمِ.



ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم می‌آید و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.



نام‌گذاری

در زبان عربی به اسم‌هایی مانند «هو»، «أنتما»، «نحن» و یا «تُ» در «قَرَأْتُ» ضمیر می‌گوییم.
«ضمایر» یا به صورت مستقل در جمله به کار می‌روند و یا همراه کلمه‌ای دیگر می‌آیند.

بنابراین

ضمایر یا «منفصل» اند و یا «متصل».

ضمایر مُنْفَصِل مرفوع

دانستیم که :

مخاطب

غائب

تصویر	معادل فارسی	ضمیر	تصویر	معادل فارسی	ضمیر
	تو	أَنْتَ		او	هُوَ
	تو	أَنْتِ		او	هِيَ
	شما	أَنْتُمَا		آن دو	هُمَا
	شما	أَنْتُمْ		آن‌ها	هُم
	شما	أَنْتُنَّ		آن‌ها	هُنَّ
متکلم					
	ما	نَحْنُ		من	أَنَا

ضمایر فوق همگی جزء **ضمایر منفصل** هستند.

تصویر	معادل فارسی	ضمیر
	اورا	إِيَّاهُ
	تورا	إِيَّاكَ
	شمارا	إِيَّاكُمْ
	مرا	إِيَّايَ

حالا بدانیم که :

غایب

مخاطب

مخاطب

متکلم

ضمایر فوق نیز تعدادی دیگر از ضمایر منفصل به شمار می آیند. (ضمیر منفصل منصوب)

إِيَّاهُ، إِيَّاهُمَا، إِيَّاهُمْ، إِيَّاهَا، إِيَّاهُمَا، إِيَّاهُنَّ،
 إِيَّاكَ، إِيَّاكُمَا، إِيَّاكُمْ، إِيَّاكِ، إِيَّاكُمَا، إِيَّاكُنَّ،
 إِيَّايَ، إِيَّايَا

حال به فعل‌های زیر توجه کنید:

امر	مضارع	ماضی
	يَكْتُبُ	كَتَبَ
	يَكْتُبَانِ	كَتَبَا
	يَكْتُبُونَ	كَتَبُوا
	تَكْتُبُ	كَتَبْتَ
	تَكْتُبَانِ	كَتَبْتَا
	يَكْتُبَنَّ	كَتَبْنَ
	تَكْتُبُ	كَتَبْتِ
	تَكْتُبَانِ	كَتَبْتُمَا
	تَكْتُبُونَ	كَتَبْتُمْ
اُكْتُبُ	تَكْتُبِينَ	كَتَبْتِ
اُكْتُبَا	تَكْتُبَانِ	كَتَبْتُمَا
اُكْتُبُوا	تَكْتُبَنَّ	كَتَبْتُنَّ
اُكْتُبِي	اُكْتُبُ	كَتَبْتُ
اُكْتُبَا	نَكْتُبُ	كَتَبْنَا
اُكْتُبِينَ		

حروف قرمز رنگ در جدول بالا، ضمیر متصل فاعلی نامیده می‌شوند.

نکته ۱: در «كَتَبْتُ» ضمیر متصل فاعلی وجود ندارد. علامت «ت» نشانه مؤنث است.

نکته ۲: در «كَتَبْتَا» الف ضمیر متصل فاعلی است و علامت «ت» نشانه مؤنث است.

نکته ۳: در فعل‌هایی که حروف قرمز رنگ به کار نرفته است؛ ضمیر متصل فاعلی وجود ندارد.

در اینجا اصطلاحاً می‌گوییم ضمیر مستتر وجود دارد. (در درس نهم با ضمیر مستتر به صورت کامل آشنا خواهید شد.)

«ضمیر»، گاه به صورت «بارز» همراه فعل

می‌آید و گاه به صورت «مستتر»

■ حال به تابلوی روبه‌رو نگاه کنیم :

✓ ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ﴾

✓ ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا﴾

✓ ﴿فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾

✓ ﴿وَمَا ظَلَمُونَا...﴾

به ضمایر «نم»، «نا» دقت کنیم.

این ضمایر همراه کدام یک از اقسام کلمه آمده‌اند؟

به خاطر بسپاریم که :



گروه دوم از ضمایر متصل، ضمایری هستند که به هر سه قسم کلمه (اسم، فعل، حرف) متصل می‌شوند. این گروه ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه نامیده می‌شوند.



هنگام اتصال فعل به ضمیر «ی»، حرف «ن» (نون و قایه) میان آن دو آورده می‌شود.

نَصَرَ + ي ← نَصَرَنِي

به ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه در جدول زیر توجه کنید :

ضمیر	معادل فارسی	ضمیر	معادل فارسی
هُ	ش - او را <small>(متصل به اسم) (متصل به فعل)</small>	كَ	ت - تو را
هَا	ش - او را <small>(متصل به اسم) (متصل به فعل)</small>	كِ	ت - تو را
هُمَا	شان - ایشان را	كُما	تان - شما را
هُم	شان - ایشان را	كُم	تان - شما را
هُنَّ	شان - ایشان را	كُنَّ	تان - شما را

«هُمَا»، «هُم»، «هُنَّ» هم در ضمایر منفصل وجود دارند و هم متصل. هُم طَلَبُ. هَذَا عَمَلُهُمْ.

«نا» در ضمیر متصل فاعلی و ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه وجود دارد. معیار تشخیص کدام است؟

ي	م - مرا
نا	مان - ما را

التمرین الأول

أكمل الفراغ:

هُم شَكَرُوا رَبَّهُمْ.
هِنَّ شَكَرْنَ رَبَّهُنَّ.

هُمَا شَكَرَا رَبَّهُمَا.
هُمَا شَكَرَتَا رَبَّهُمَا.

هُوَ شَكَرَ رَبَّهُ.
هِيَ شَكَرَتْ رَبَّهَا.

..... رَبِّكُمْ.
أَنْتَ..... رَبِّي.

..... تَشْكُرَانِ رَبِّي.
أَنْتُمَا..... رَبِّي.

أَنْتَ تَشْكُرُ رَبِّي.....
..... تَشْكُرِينَ رَبِّي.....

..... رَبِّي.....
..... رَبِّي.....

.....
أَشْكُرَا رَبَّكُمَا.

أَشْكُرُ رَبِّيَ.....
..... رَبِّي.....

التمرین الثاني

أكمل الفراغ:

هو	ناجِحٌ.	هُمَا	ناجِحُونَ.
هي	ناجِحَةٌ.	هُمَا	ناجِحَتَانِ.
هو	مُجْتَهِدٌ.
.....

التمرین الثالث

ضحّح الأخطاء في ترجمة العبارات التالية:

١- هُمْ مشغولون بمطالعة دروسهم و نحن نُنْفَكِر في الامتحان.

ما سرگرم مطالعه درس هایمان هستیم و آنها به امتحان فکر می کنند.

٢- أَنْتُمْ تتعلمون اللغة العربية لأنها لغة القرآن.

آنها زبان عربی را فرا می گیرند، چون زبان قرآن است.

٣- ﴿أَيُّومٌ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾

امروز دین را برای شما کامل کردم، و نعمت را بر شما تمام کردم.

التمرین الرابع

أكتب الكلمات التالية مع ضمير «الياء»:

عَلَّمَ مَعَلَّمَ يَنْصُرُ بِ أَكْرَمَ قَلَّمَ



□ «ضمیر» یکی از اجزای اصلی جمله است. در تشخیص انواع ضمیر و ترجمه صحیح هریک، دقت کنیم.

□ در تشخیص مرجع ضمائر غایب بسیار دقت کنیم.
اشکالات ترجمه متن زیر را اصلاح کنید.

الْخُلُقُ الْحَسَنُ

لَمَّا قَرَّبَ النَّبِيُّ (ص) مِنَ الْمَدِينَةِ؛ أَخَذَ النَّاسُ زِمَامَ النَّاقَةِ. فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): أَيُّهَا النَّاسُ، أُتْرِكُوا النَّاقَةَ فَهِيَ مَأْمُورَةٌ، فَعَلَى بَابِ دَارِ مَنْ وَقَفَتْ فَأَنَا عِنْدَهُ.

خلق نیکو

وقتی که پیامبر (ص) از مدینه دور شد، مردم افسار شتر را گرفتند. پیامبر (ص) گفت: ای مردم، شتر را ترک نکنید زیرا مأمور است. بر در خانه هر که نشست من نزد او هستم.

فَهُمْ تَرَكُوا زِمَامَهَا وَهِيَ ذَهَبَتْ فِي مَسِيرِهَا. بَعْدَ سَاعَةٍ دَخَلَتِ الْمَدِينَةَ فَوَقَفَتْ عَلَى دَارِ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَهُوَ كَانَ أَفْقَرَ النَّاسِ فِي الْمَدِينَةِ.

ایشان افسارش را رها کردند و شتر به راه خودش رفت پس از ساعتی وارد شهر شد و بر در مغازه ابی ایوب انصاری ایستاد و او از مردم فقیر مدینه بود.

تَحَسَّرَ النَّاسُ وَانْقَطَعَتْ أَمَالُهُمْ.

مردم حیرت کردند و آرزویشان قطع شد. (بر باد رفت)

الف

نوع ضمایر مشخص شده در آیات زیر را تعیین کنید، سپس ترجمه آیات را کامل نمایید.

۱- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (حمد / ۴)

تنها را می پرستیم و تنها از یاری می جویم.

۲- ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ (یوسف / ۳)

..... نیکوترین سرگذشت را بر حکایت می کنیم.

۳- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾ (بقره / ۲۱)

ای مردم، پروردگار را که را آفریده است، پرستش کنید.

ب

کدام آیه درباره مفهوم زیر سخن می گوید؟

«گوش فرا دادن به قرآن هنگام تلاوت این کتاب آسمانی»

□ ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (أعراف / ۲۰۴)

□ ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (إسراء / ۹)

□ ﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾ (طه / ۲)



— رَبَّنَا إِنَّا أَفْقَاءٌ لِّمَا تُنَزِّلُ إِلَيْنَا مِنْ خَيْرٍ.

— فَأَمَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ بِالْهَجْرَةِ.

﴿إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ، فَإِنِّي فَأَعْبُدُونَ﴾

— فِي الْحَبَشَةِ حَاكِمٌ عَادِلٌ وَمُوَحَّدٌ*.

رُؤَسَاءُ قَرِيشٍ

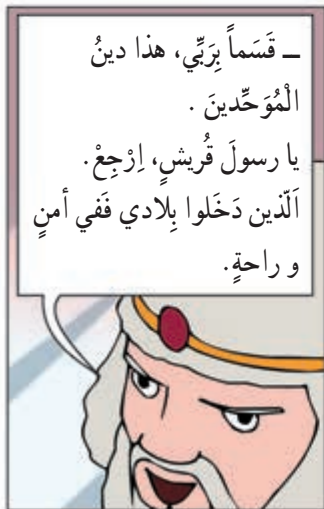
— الَّذِينَ هَاجَرُوا إِلَى الْحَبَشَةِ سَوْفَ يَخْلُقُونَ
لَنَا الْمَشْكَلَاتِ.

— أَنْتُمْ صَامِتُونَ* . هَذَا عَجِيبٌ!

— طَيِّبٌ. اَلتَّطْمِيعُ* مِنْ عَادَتِنَا.

— فَسَمَّا بِاللَّاتِ* وَالْعُرَّى* سَنُرْجِعُ مَنْ هَاجَرَ وَنُعَذِّبُهُ.

— نَبَعْتُ رَسُولًا مَعَ هَدَايَا إِلَى
حَاكِمِ الْحَبَشَةِ وَ نَطَلُبُ مِنْهُمْ
تَسْلِيمَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى هُنَاكَ.



در زبان عربی کلماتی وجود دارند که موجب ارتباط میان اجزای جمله

می شوند .

حال از خود سؤال کنید :

در جمله «دانش آموزی موفق می شود که تلاش می کند»، عامل ارتباط میان دو جزء جمله کدام است؟

آیا می توانید در جمله «فَهَيْمْتُ الدَّرْسَ الَّذِي دَرَّسَهُ الْمُعَلِّمُ» ربط دهنده دو جمله را تشخیص دهید؟

آیا می توانید بگویید که الّذی جزء کدام یک از اقسام کلمه است؟



به این دو جمله نگاه کنیم :

التّلاميدُ يَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرْسِ . التّلاميدُ يَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ .

برای ارتباط میان این دو جمله چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

الَّذِينَ يَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرْسِ، يَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ .

به معنی الّذی در دو جمله زیر توجه کنید .

الإنسانُ الَّذِي يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ .

الَّذِي يَجْتَهِدُ فَهُوَ يَنْجَحُ .

که

کسی که

نام گذاری

کلماتی مانند «آذی»، «آتی»، «آلاتی» و «آذین» در زبان عربی «اسم موصول» نام دارند.

معدّل	مؤنث	مذکر	
که، کسی که، چیزی که	آتی	آذی	مفرد
کسانی که	آلاتی	آذین	جمع

کاربرد

موصول در عربی برحسب ماقبل خود تغییر می کند؛ مانند:

– الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحُ.

– الْمُؤْمِنَةُ الَّتِي تَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ تَنْجَحُ.

– الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحُونَ.

– الْمُؤْمِنَاتُ اللَّاتِي يَعْمَلْنَ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحْنَ.

حال از خود سؤال کنید:

جاهای خالی را با کلمه مناسب پر کنید:

– اسم موصول «.....» برای کلمه‌ای که مفرد مذکر باشد، استفاده می شود.

– اسم های موصول عبارتند از:,,

– موصول «الَّذین» برای اسم های استفاده می شود.



نوع دوم به این دو عبارت توجه کنیم: عَلَّمْ مَنْ لَا يَعْلَمُ. اِعْمَلْ بِمَا تَعَلَّمْتَ.

– آیا کلمه های «مَنْ» و «مَا» در جمله های بالا برای سؤالی کردن هستند؟

– آیا کلمه «مَا» برای منفی کردن آمده است؟

و یا آن که ...؟

«مَنْ» و «مَا» نیز گاهی به عنوان «اسم موصول» در جمله به کار می روند.

کاربرد

«مَن» به معنی کسی که، کسانی که

«ما» به معنی چیزی که، چیزهایی که، آنچه

نام گذاری

به اسم های موصول «مَن» و «ما»، «مشترک» می گوئیم و بقیه موصولات را «خاص» می گوئیم.

حال از خود سؤال کنید :

دو کاربرد برای اسم های موصول :

۱- آغاز جمله

۲- داخل جمله

– آیا اسم های موصول «مَن» و «ما» برای مذکر و مؤنث به صورت یکسان به کار می رود؟

– چرا به اسم های موصول «مَن» و «ما» مشترک گفته می شود؟

– مجموعاً چند کلمه به عنوان اسم موصول می شناسید؟

نام ببرید.

متناسب با کاربرد، معنی نیز تغییر می کند.

تا کنون با چند نوع «ما» و «مَن» در عبارت ها آشنا شده ایم؟



إجعل في الفراغ الموصول المناسب :

اللاتي ، ما ، التي ، من ، الذين

- ١- الطالبة المجتهدة هي تنجح في درسها.
- ٢- الأمهات هن تعبن من أجلنا*.
- ٣- أنفق بـ عندك في سبيل الله.
- ٤- احترم هو أصغر منك.
- ٥- يعملون الصالحات فلهم أجر عظيم.

أكمل الفراغ وفق النموذج :

- المؤمن هو الذي يتوكل على الله في الحياة.
- المؤمنة
- المؤمنون
- المؤمنات

التَّمْرِينِ الثالث

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

١- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهٗ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾

سپاس خدای را که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست.

سپاس خدای را که آسمان‌ها و آن که در زمین است، از آن اوست.

٢- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

به تحقیق مؤمنانی که در نمازشان فروتنند، رستگار شدند.

رستگار شدگان همان فروتنان در نمازند.

٣- الْعَاجِزُ مَنْ عَجَزَ عَنْ اِكْتِسَابِ الثَّوَابِ.

ناتوان کسی است که از به دست آوردن ثواب عاجز باشد.

ناتوان از به دست آوردن ثواب عاجز است.

التَّمْرِينِ الرابع

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَوَلَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ :

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾

اسم، ضمير منفصل، لِلْغَائِبِ

(الف) هو :

ضمير متصل، لِلْغَائِبَةِ

اسم، موصول عام، ضمير منفصل

(ب) الَّذِي :

اسم، موصول خاص، للمفرد المذكر

فعل ماضٍ، للغائب، مزيد ثلاثي

(ج) أَرْسَلَ :

فعل مضارع، للمخاطب، مجرد ثلاثي

حرف، ضمير متصل للرفع

(د) هُ :

اسم، ضمير متصل للنصب أو الجرّ



- کلماتی مانند «الَّذِي» و «الَّتِي» هر گاه پس از اسم دارای «ال» بیایند، به معنی «که» خواهند بود؛ مانند :
 ذَهَبْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ الَّذِي قُرْبَ مَدْرَسَتِنَا.
 □ دقت کنیم که «ما» با توجه به آن چه که تاکنون خوانده ایم، گاهی حرف نفی است و گاه اسم استفهام و گاه موصول. به کمک قرائن موجود در جمله، باید هر یک را از دیگری تمییز داد.
 مثال :

– ما هذا؟ هذا حُرُوفٌ.

– ما نَطَلُبُ مِنْكُمْ هُوَ تَسْلِيمُهُمْ إِلَيْنَا.

– هُوَ مَا سَمَّحَ لَنَا.

ترجمه متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

نَبِيُّ الرَّحْمَةِ

إِنَّ يَهُودِيًّا طَلَبَ دَيْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَلَكِنَّ النَّبِيَّ (ص) مَا كَانَ عِنْدَهُ مَا يَدْفَعُ دَيْتَهُ.

پیامبر مهربانی

یک یهودی طلب خود را از فرستاده خدا (ص) درخواست می کند. اما پیامبر (ص) پول کم داشت تا طلبش را بپردازد.
 فَقَالَ لِلْيَهُودِيِّ: أَلَا نَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ. فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: فَأَنَا لَا أَسْمَحُ بِخُرُوجِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ.

پس به یهودی گفت : اکنون کم دارم و یهودی گفت : پس من اجازه خارج شدن از مسجد را به تو نخواهم داد.
 فَتَسَبَّمَ النَّبِيُّ (ص) وَقَالَ: أَجْلِسْ مَعَكَ وَلَا أُخْرِجُ مِنَ الْمَسْجِدِ.

پس پیامبر (ص) خندید و گفت : همراهت می آیم و از مسجد بیرون نمی روم.

أَصْحَابُ النَّبِيِّ (ص) الَّذِينَ شَاهَدُوا هَذَا الْمُنْتَظَرِ غَضِبُوا وَهَدَّوْا الْيَهُودِيَّ.

یاران پیامبر (ص) که این صحنه را مشاهده می کنند خشمگین می شوند و آن یهودی را تهدید می کنند.

فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَيْهِمْ وَقَالَ: مَاذَا تَفْعَلُونَ؟! إِنَّ اللَّهَ مَابَعَثَ رَسُولَهُ لِيُظْلَمَ عَلَى النَّاسِ.

فرستاده خدا (ص) به ایشان فرمان داد و گفت : چه کار کردید؟! قطعاً خدا فرستاده اش را برای ستم به مردم نمی فرستد.

سَمِعَ الْيَهُودِيُّ كَلَامَ النَّبِيِّ (ص) وَقَالَ: أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَا مَا فَعَلْتُ الْعَمَلَ الَّذِي عَمِلْتَهُ إِلَّا لِأَطْمِئِنَّانِ نَفْسِي.

آن یهودی سخن پیامبر (ص) را پذیرفت و گفت : شهادت دادم که تو فرستاده خدایی و این کاری را که من انجام دادم تنها به خاطر اطمینان خود شما بود.

لِأَنِّي قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ: إِنَّ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ [لِلنَّبُوَّةِ] لَيْسَ غَلِيظًا وَلَا ظَلَمًا وَلَا... فَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ.

زیرا در تورات خوانده اند : قطعاً کسی که از مکه [برای رهبری] خارج می شود نه درشت خوی است و نه ستمدیده

و نه ... پس سلام بر تو ای پیامبر مهربانی.

الف

با توجه به معنی آیات جای خالی را از کلمات داده شده پر کنید :

﴿..... يَكُونُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُفْقَوْنَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

کسانی که طلا و نقره را می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس به آنها عذاب دردناکی را مرزده ده.

- الَّذِي □ الَّذِينَ □ الَّتِي □
- ﴿يُسَبِّحُ لَهُ... فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
- هر آن که در آسمان ها و زمین است او را می ستاید.
- مَنْ □ الَّتِي □ الَّذِي □

ب

در کدام آیه بر هدایتگری قرآن تأکید شده است؟

- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾
- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾
- ﴿وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾

آیا می خواهیم مطالب خود را به زبان عربی بیان کنیم؟

آیا می دانیم بیان مطالب به یک زبان قوه درک ما را از متون آن زبان دو چندان می کند؟

آیا می دانیم مشکل اساسی ما در صحبت کردن به زبان قرآن ندانستن واژه نیست، بلکه عدم آشنایی با کیفیت جمله سازی است؟

آیا می دانیم علاوه بر هزارها واژه عربی که در فارسی به کار می رود، تاکنون بیش از هزار واژه جدید عربی خوانده ایم؟!

برای صحبت کردن به زبان قرآن :

- ۱- سعی کنیم جملات ساده از قبیل سلام و احوال پرسی و خدا حافظی و ... را به عربی یاد بگیریم.
- ۲- عبارتهایی را از متن و تمرین ها انتخاب و حفظ کنیم.
- ۳- اشعار و ضرب المثل ها و جملات حکمی را حفظ کنیم.
- ۴- با گوش دادن به مطالب رادیو عربی سعی کنیم گوش خود را به شنیدن جملات عربی عادت دهیم.
- ۵- در گفتگوی با دوستانمان سعی کنیم بعضی از جملات را به عربی بیان کنیم.
- ۶- مُلَمَّعِ سخن گفتن (ترکیب جمله های فارسی و عربی) قدمی در راه یادگیری است.




بَرَزَ* الثَّعْلَبُ يَوْمًا فِي شِعَارِ النَّاصِحِينَا

فَمَسَى* فِي الْأَرْضِ يَنْصَحُ وَ يَسُبُّ* الْمَاكِرِينَا*



و يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ ... هِ إِلِهِ الْعَالَمِينَا
يَا عِبَادَ اللَّهِ تَوَبُوا فَهُوَ كَهْفُ* التَّائِبِينَا
وَ أَطْلُبُوا الدَّيْكَ* يُؤَدِّنُ لِصَلَاةِ الصُّبْحِ فِينَا



فَذَهَبُوا إِلَى الدَّيْكَ، فَقَالَ: 

بَلَّغُوا* الثَّعْلَبَ عَنِّي* عَن جُدُودِي* الصَّالِحِينَا
عَن دَوِي التَّيْجَانِ مِمَّنْ دَخَلُوا الْبَطْنَ* اللَّعِينَا
إِنَّهُمْ قَالُوا وَ خَيْرُ الـ ... قَوْلِ قَوْلِ الْعَارِفِينَا:
مُحْطَى* مَن ظَنَّ* يَوْمًا أَنَّ لِلثَّعْلَبِ دِينَا

أحمد شوقي (بتصرف)

در تابلوی زیر به کلمه «کتاب» و حرکت آن توجه کنیم :

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾
 ﴿وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ﴾
 ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾

برخی کلمات در زبان عربی با تغییر موقعیت در جمله، حرکت
 حرف آخرشان تغییر می کند و تعدادی نیز در همه موقعیت ها، حرکت
 حرف آخرشان ثابت می ماند.

نام گذاری

به کلماتی که حرکت حرف آخر آن ها با تغییر موقعیت تغییر کند، «مُعْرَب» گویند.
 به کلماتی که حرکت حرف آخر آن ها در هر موقعیتی ثابت بماند، «مَبْنِي» گویند.

از خود سؤال کنید :



حرف کدام حرف معیار تشخیص معرب و مبني است؟

به نظر شما مشتقاتی که تاکنون خوانده ایم جزء کلمات معرب هستند یا مبني؟

مصطلحات

آیا با حرکت های «ضمّه»، «فتحه»، «کسره» و نیز «سکون» آشنا هستیم؟
آیا تفاوت حرکت آخر کلماتی مانند: «نَحْنُ»، «هُوَ»، «هُوَ لَاءِ» و نیز «أَكْتُبُ» را تشخیص می دهیم؟

کلمات مبنی را بر اساس حرکت آخر آن ها (حرکت حرف لام الفعل) چنین می نامیم:
مبنی بر فتح (هُوَ) مبنی بر ضم (نَحْنُ) مبنی بر کسر (هُوَ لَاءِ) مبنی بر سکون (أَكْتُبُ)

اما

برای نام گذاری حرکات در آخر کلمات «معرب» از اصطلاحات دیگری استفاده می کنیم.

جزم

جر

نصب

رفع

اعراب آخر کلمات معرب دارای چهار حالت است.

و علامت آن **ضمّه** است؛ مانند: الحسنة، حسنة

و علامت آن **فتحه** است؛ مانند: الصادق، صادقاً

و علامت آن **کسره** است؛ مانند: الاجتهاد، اجتهاد

و علامت آن **سکون** است؛ مانند: لا تكذب

رفع

نصب

جر

جزم

در زبان فارسی نیز گاهی حرکت حرف آخر کلمه تغییر می کند.
به حرکت کلمه «گل» در ترکیب «گل سرخ» دقت کنید.

کلمات معرب را بر اساس حرکت آخر آن ها چنین می نامیم:
مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم.

کلمات معرب و مبنی

ضمیر، اسم اشاره، موصول، استفهام	مبنی	اسم
بیشتر اسمها (به جز اسم های مبنی)	معرب	
ماضی، امر	مبنی	فعل
مضارع	معرب	
تمام حروف	مبنی	حرف



در فعل مضارع دو صیغه جمع مؤنث نیز مبنی است.

از خود سؤال کنید :

کلمات زبان عربی بیشتر معربند یا مبنی؟

برای کدام یک از کلمات انتظار تغییر حرکت حرف آخر را ندارید؟

آیا می دانید چرا یادگیری بحث معرب و مبنی مهم است؟

کلمات مبنی که به الف ختم می شوند؛ مانند :
عَلَى، إِلَى، حَتَّى ...
مبنی بر سکون هستند.

کلمات مبنی که به «ياء» ساکن ختم شوند، مانند :
فِي، أَلَدِي، أَلْتِي ...
مبنی بر سکون هستند.



إجعل الكلمات التي تحتها خطٌ في مكانٍ مناسبٍ من الجدول :

(الف) :

١- أَلْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتُهُ* التَّجَارِبُ.

٢- هل يَنْجَحُ الَّذِينَ لَا يَدْرُسُونَ؟

٣- هم وَجَدُوا طَرِيقَةً لِحَلِّ هَذِهِ الْمَشْكَلَةِ.

٤- نحن دَرَسْنَا وَنَجَحْنَا فِي الْإِمْتِحَانِ.

المبني				
على الضمّ	على الفتح	على الكسر	على السكون	
				الاسم
				الفعل
				الحرف

(ب) :

١- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا.

٢- لَا تَتَكَاسَلْ فَإِنَّ طَرِيقَ الْعِزِّ صَعْبٌ.

٣- هل يَتَعَمَّدُ الْعَاقِلُ عَلَى الْجَاهِلِ؟

المعرب				
المرفوع	المنصوب	المجرور	المجزوم	
			-	الاسم
		-		الفعل

التمرين الثاني

صِلْ كُلَّ كَلِمَةٍ فِي الْعُمُودِ الْأَوَّلِ بِمَا يُنَاسِبُهَا مِنَ الْعُمُودِ الثَّانِي :

موصولٌ خاصٌّ و مبنئٌ على السُّكُونِ.	كَيْفَ
فعل مضارعٌ مرفوعٌ و معربٌ.	أُذْرُسُ
ضميرٌ منفصلٌ مرفوعٌ و مبنئٌ على الفَتْحِ.	هَؤُلَاءِ
اسمٌ استفهامٌ و مبنئٌ على الفَتْحِ.	هِيَ
فعلٌ أمرٌ و مبنئٌ على السُّكُونِ.	الَّذِي
اسمٌ إشارةٌ و مبنئٌ عَلَى الكَسْرِ.	يَعْلَمُ

التمرين الثالث

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

- ١- ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقرة / ١٧٧)
- آنان کسانی اند که راست گفتند و آنان همان پرهیزگارانند.
- اینان که راست می گویند؛ همان پرهیزگارانند.
- ٢- ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه / ١٣٠)
- پس بر آنچه می گویند، بی تابی مکن، آنان به ستایش پروردگارت تسبیح گویند.
- پس بر آنچه می گویند، شکبیا باش، و به ستایش پروردگارت تسبیح گوی.
- ٣- ﴿إِنِّي لِمَا أَنزَلْتُ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ (فصص / ٢٤)
- همانا من به آنچه از نیکی به سویم فرستی، نیازمندم.
- همانا من به آنچه نفرستادی از خوبی ها نیازمندم.



□ در زبان فارسی، فعل معمولاً در آخر جمله قرار می‌گیرد، و حال آن که در عربی، فعل معمولاً ابتدای جمله می‌آید.

□ در ترجمه اسم‌هایی که دارای تنوین هستند، گاهی «ی» (وحدت یا نکره) اضافه می‌کنیم : کتابُ : کتابی

اشکالات ترجمه فارسی متن زیر را اصلاح کنید :

مَهْرُ الْبُومَةِ

تَسْكُنُ بَوْمَةٌ فِي خَرَبَةٍ مِنْ خَرَابَاتِ الْبَصْرَةِ. فَقَصَدَتْ تَرْوِيجَ وَوَلَدَهَا بِإِحْدَى بَنَاتِ الْمُوصِلِ. فَزَفَصَتْ بَوْمَةُ الْمُوصِلِ وَقَالَتْ :

مَحَبَّتِ جَعْدِ

جعدی در خانه‌ای از خانه‌های بصره زندگی می‌کند. [جعغد] خواست پسرش را به ازدواج یکی از دختران موصل درآورد. جعغد موصل مخالفت کرد و فریاد زد :

إِنَّ الْبَصْرَةَ بَلَدٌ كَبِيرٌ وَمَعْمُورَةٌ وَوَلَدُكَ لَا يَتَّقِدِرُ دَفْعَ مَهْرِ بِنْتِي وَهُوَ عَشْرَةُ بُيُوتِ خَرَبَةٍ. بی‌گمان بصره شهر شلوغ و آبادی است و پسرتم نمی‌تواند مهر دخترتم را که ده مغازه ویرانه است بپذیرد.

فَقَالَتْ بَوْمَةُ الْبَصْرَةِ : نَعَمْ. هُوَ الْآنَ لَا يَتَّقِدِرُ دَفْعَ هَذَا الْمَهْرِ وَلَكِنْ إِذَا بَقِيَتْ حُكُومَةُ مَوْلَانَا الْحَاكِمِ «حَفِظَهُ اللَّهُ» لِمُدَّةِ سَنَةٍ؛

جعغد بصره گفت : آری، او اکنون نمی‌تواند این مهر را بپذیرد ولی اگر حکومت سرورمان، حاکم (خدا او را حفظ کند) برای مدت دو سال دیگر بماند؛

فَأَنَا أَضْمَنُ لِكَ أَلْفِ بَيْتِ خَرَبٍ لِمَهْرِ بِنْتِكَ. من برای مهر دخترت هزار خانه ویرانه را تضمین خواهم کرد.

الف

در آیات زیر سه کلمه از یک ریشه هستند، آن‌ها را در مربع‌های خالی بنویسید و جاهای خالی را پر کنید:

۱- ﴿لَا يُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (بقره / ۲۶۴)

– صدقه‌های خویش را با گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.

۲- ﴿لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (فُصِّلَتْ / ۸)

– برای آن‌ها پاداشی بی است.

۳- ﴿قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾ (یوسف / ۹۰)

– خداوند بر ما نهاده است.

ب

کدام جمله بیانگر مفهوم آیه زیر است؟

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾

الْإِبتِعَادُ عَنِ الْإِفْرَاطِ وَالتَّفْرِيطِ فِي الْإِنْفَاقِ

عَدَمُ الْإِسْرَافِ فِي الْإِنْفَاقِ

عَدَمُ التَّحَسُّرِ عَلَى الدُّنْيَا

الْإِبتِعَادُ عَنِ التَّكَاثُلِ

به نظر شما درس عربی با چه درس‌هایی ارتباط بیش‌تری دارد؟

عربی را آن‌گونه بخوانیم که ما را در فهم درس‌های دیگر کمک کند.

برای فهم بهتر قسمت «بیاموزیم» در کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، فهم بهتر مطالب کتاب عربی ضروری است!

برخی قسمت‌های کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، همچون بحث ضمیر را با همین بحث در کتاب عربی مقایسه کنید.

متون کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ بر توانایی در زمینه ترجمه متون عربی به فارسی می‌افزاید.

در مورد خدمات ایرانیان به زبان عربی در زمینه‌های صرف، نحو، بلاغت و لغت چه می‌دانیم؟

در ماه‌نامه دیواری خود راجع به این شعر حافظ مطلبی بنویسید:

اگرچه عَرُوضِ هنرِ پیش‌یارِ بی‌ادبی است
زبانِ خموشِ ولیکن‌دهانِ پرازِ عربی است

حَسَنُ الْعَاقِبَةِ

الدرس التاسع



سعيد :

هذه الكوفةُ تَبْدُو* من بعيدٍ.

الإمام (ع) :

اللَّهُ أَكْبَرُ! فِيمَ^٢ نَكْبَرُ*؟
يا سعيد^٣.

سعيد^١ :

اللَّهُ أَكْبَرُ.

الإمام (ع) :

أعلينا* أم لنا*؟

سعيد :

كَيْفَ تَمْشِي فِي رِكَابِ الظَّالِمِينَ؟!
كَيْفَ لَا تُبْصِرُ* نَوْرَ الْحَقِّ وَالنَّهْجِ* الْمُبِينِ*؟!*

الحُرّ :

بَلْ عَلَيْكَ!

٢- فيم : في + ما

١- سعيد و يُرَى من أصحاب الإمام الحسين (ع) في واقعة كربلاء.

٣- سُكُونُ آخِرِ الْكَلِمَاتِ لوزن الشعر.

الإمام (ع):

كُلُّكُمْ يَعْرِفُ أَنِّي طَالِبُ إِصْلَاحِ أُمَّةٍ
أَفْسَدْتُهَا الطَّاعِيَةَ، * حَكَمْتُهَا بَاغِيَةَ *.

الْحَرَّ:

نَحْنُ عَطَشَى *، يَا بَنَ
بِنْتِ الْمُصْطَفَى.



الإمام (ع):

وَزَعُوا * الْمَاءَ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْنَا بِالتَّسَاوِي وَغَدَاً يَأْتِي * الْفَرَجُ *.

الإمام (ع):

حَانَتْ الْآنَ الصَّلَاةُ، أَتُصَلِّي * بِرِجَالِكَ؟

الْحَرَّ:

بَلْ نُصَلِّي كُنَّا
خَلْفَكَ يَا
سَيِّدُ الرِّسُولِ.



الإمام (ع):

أَفَلَا أَنْتُمْ بَعَثْتُمْ لِي رَسُولًا وَ
صَرَخْتُمْ مِنْ مِظَالِمِي *؟!

بُرَيْرُ:

لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ زَوَّعَ *
آلَ الرِّسُولِ.

الْحَرَّ:

يَا حَسِينَ بَايِعْ * أَنْتَ أَوْ تُسَلِّمَ *.

الإمام (ع):

رَبِّ فَاشْهَدْ *، حَدَلُونَا *، كَدَّبُونَا.
قَدْ تَوَكَّلْنَا عَلَيْكَ، رَبِّ فَاشْهَدْ، ظَلَمُونَا.

الْحَرَّ:

أَأُتْقَاتِلُ أَنْتَ هَذَا الرَّجُلَ؟

لَمَّا سَمِعَ الْحَرُّ كَلَامَ الْإِمَامِ (ع) أَقْبَلَ * عَلَى الْقَوْمِ.



ابن سعد :

إي*، قتالاً*، سشاهد فيه إسقاط*
الرؤوس*.

الحرّ يفترب* من الإمام (ع) و هو يرتعد*.

أيها الحرُّ لماذا ترتعد؟ أنت من أشجع*
أهل الكوفة*.



الحرّ: إيتي شاهدت نفسي بين نارٍ و نعيم*.

ثمّ جاء الحرُّ نحو* الإمام (ع) نادماً:

يا إلهي إيتي روعت* أبناء الرسول*.
فلذا أطلبُ منك المغفرة و أريدُ
المعذرة*.



إنّه سبّطُ النبي، إنّه عينُ علي*.

هل ترى لي يا إلهي توبة؟!!

سمع الإمام (ع) نداءه و قال :

عاد* - وَاللَّهِ - فنانا* الحرّ حرّاً*!



١- من كتاب «الحسين نائراً و شهيداً» للشرقاوي يتصرّف و هو أحد الأباء المسلمين من إخواننا أهل السنّة في مصر.

جهان کلمات

زبان یکی از وسایل به تصویر کشیدن رویدادها و پدیده‌های جهان هستی است. هر آنچه در طبیعت رخ می‌دهد، زبان، آن را در قالب کلمات درمی‌آورد.
از این رو طبیعی است که دنیای کلمات نیز از مقوله «فعل» و «فاعل» جدا نباشد.

هر فعلی، فاعلی دارد. پدید آمدن فعل، بدون فاعل، محال است.

فعل

آیا اقسام و حالات «فعل» را به خاطر می‌آورید؟
آیا می‌توانید در عبارت‌های زیر «فعل»‌ها و نوع آنها را تشخیص دهید؟

﴿التَّجْمُ وَالشَّجْرُ يَسْجُدَانِ﴾

﴿كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ﴾

﴿إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

دانستیم که

«فعل» همیشه همراه «فاعل» می‌آید.

راه تشخیص فاعل چیست؟

اما

تشخیص از طریق علامت

«فاعل» علامتی دارد که با دیدن آن به «فاعل» بودن کلمه یقین حاصل می‌کنیم.

تشخیص از طریق معنا

مطمئن‌ترین راه برای یافتن فاعل در جمله، ترجمه عبارت و درک مفهوم جمله است.



حال از خود سؤال کنید :

□ در زبان فارسی «فاعل» جمله را چگونه تشخیص می‌دهیم؟
مثال بزنید.

□ سؤال کردن با «چه چیزی» یا «چه کسی» چگونه ما را در یافتن فاعل کمک می‌کند؟ مثال بزنید.

□ آیا در زبان عربی هم می‌توانیم از چنین روشی استفاده کنیم؟

تذکره

پس از یافتن فاعل از طریق معنا، به اعراب کلمه نگاه کنیم، آیا علامت مورد نظر را دارد؟

علامت فاعل

اعراب فاعل «رفع» است.

نام‌گذاری

هرگاه فعل در آغاز جمله بیاید، به آن «جمله فعلیه» می‌گوییم.

جایگاه

به تابلوی روبه‌رون نگاه کنیم :

﴿وَحَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾

بِالْحَقِّ ﴿﴾

﴿يَخْرِجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤَ وَ...﴾

✓ هریک از جمله‌ها با کدام یک از اقسام کلمه شروع شده‌اند؟

✓ آیا از طریق معنای عبارت، «فاعل» را می‌توانید پیدا کنید؟

✓ جایگاه «فاعل» پس از «فعل» است یا قبل از آن؟

«فاعل» در جملات عربی، پس از «فعل» می‌آید.

کاربرد

یادآوری

آیا اسم‌های مذکر و مؤنث را به خاطر می‌آورید؟ علامت مؤنث بودن اسم، کدام است؟
با دانستن مطالب فوق، اکنون به مطالب صفحه بعد توجه کنید :

مطابقت

این نکته را فراموش نکنیم.



✓ فعل از لحاظ **مذکر** و **مؤنث** بودن، تابع فاعل خود می باشد؛ مانند:

مذکر: يَدْخُلُ الْمُؤْمِنُ الْجَنَّةَ.

مؤنث: تَدْخُلُ الْمُؤْمِنَةُ الْجَنَّةَ.

ارتباط

آیا ضمایر متصل به فعل را می شناسید؟

ضمایر متصل فعل های ماضی، مضارع و امر در صیغه های چهارده گانه کدام است؟

به کاربرد فاعل همراه صیغه های غایب توجه کنید:

نَجَحَ الْمُؤْمِنُ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَةُ .

نَجَحَ الْمُؤْمِنَانِ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

نَجَحَ الْمُؤْمِنُونَ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

آیا فعل ها در جمله های مختلف تغییری کرده اند؟

آیا فعل ها همراه فاعل آمده اند؟

آیا فاعل به صورت اسم ظاهر آمده است؟

نتیجه

در صیغه های غایب هرگاه فاعل به صورت **اسم ظاهر** بیاید، فعل به صورت **مفرد** می آید.

حال به مثال های زیر توجه کنیم:

هي	الْمُؤْمِنَةُ نَجَحَتْ.	هو	الْمُؤْمِنُ نَجَحَ.
ا	الْمُؤْمِنَاتُ نَجَحْنَ.	ا	الْمُؤْمِنَانِ نَجَحَا.
ن	الْمُؤْمِنَاتُ نَجَحْنَ.	و	الْمُؤْمِنُونَ نَجَحُوا.

نتیجه

هرگاه فاعل به صورت اسم ظاهر نیامده باشد، فعل

همراه ضمیری می آید که همان ضمیر، فاعل است.

بیش تر جمله ها در زبان عربی
به صورت جمله فعلیه است.

توجه

در صیغه های مخاطب و متکلم - همانند همه زبان ها - فاعل به صورت

«ضمیر» می آید؛ مانند:

أَكْتُبُ (أنا) - تَكْتُبُونَ (و) - تَكْتُبِينَ (ي) و ...

قبل از فعل به دنبال «فاعل»
نگردیم. اول فعل، سپس فاعل.

بنابراین

فاعل در جمله به سه صورت می آید:

انواع:



﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾

كَلِمَ (أَنْتَ) النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

تشخیص مفعول

✓ در زبان فارسی مفعول را چگونه تشخیص می دهیم؟

✓ آیا درک مفهوم عبارت، کمکی در این زمینه می کند؟

✓ آیا مفعول در زبان فارسی دارای علامتی هست؟

حال به آیات تابلوی زیر توجه کنید:

﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾

﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ﴾

﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾

در زبان عربی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟

۱- تشخیص از راه معنا

قدم نخست برای تشخیص مفعول به همچون سایر نقش‌ها، فهم معنای عبارت است. در زبان عربی «مفعول به» نیز دارای علامتی است که به وسیله آن می‌توان مطمئن شد که تشخیص ما صحیح بوده و کلمه مورد نظر «مفعول به» است.

علامت اختصاصی مفعول به معمولاً **فتحه** (ـَ) است، یعنی «مفعول به» پیوسته منصوب می‌باشد.

جایگاه

«مفعول به» معمولاً بعد از **فاعل** می‌آید.



ضمایر منفصل منصوب (إِيَّاكَ و ...) و نیز ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه، هرگاه با فعل بیابند، غالباً مفعول به هستند.

فرق میان معنای «نَصْرَةٌ» و «نَصْرُهُ»

چیست؟

جار و مجرور

به تابلوی روبه‌رو توجه کنید :

﴿ لَا تَقْنُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾
﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴾

آیا اثر فعل «قنوط» به کلمه «رحمة» سرایت کرده است؟
آیا این سرایت به واسطه کلمه دیگری اتفاق افتاده و یا آن که مستقیماً صورت گرفته است؟
در همه زبان‌ها کلماتی این چنین را از مقوله «مفعول»‌ها و یا «متمم»‌ها به‌شمار می‌آورند.
در زبان عربی نیز این چنین است.

اما...

چون این کلمه همراه واسطه‌ای ذکر می‌شود، به آن **مفعول به** گفته نمی‌شود.

حال به تابلوی روبه‌رو

نگاه کنیم:

﴿ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾ ﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾ ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ ﴾

﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴾

نام‌گذاری

به حروفی مانند: «**مِن**» (از)، «**فِي**» (در)، «**إِلَى**» (به، به‌سوی)، «**لِ**» (برای)، «**عَلَى**»

(بر، روی)، «**بِ**» (با)، «**كَ**» (مانند)، «**عَنْ**» (از) «**حرف جر**» و به اسم پس از آن‌ها «**مجرور**»

و به هردو «**جار و مجرور**» می‌گوییم.

حروف جر تنها قبل از **اسم** می‌آیند.



از خود سؤال کنید:

– فرق معنایی و نقش کلمه الطالب در دو جمله «ذَهَبَ الطَّالِبُ» و «رَأَيْتُ الطَّالِبَ» چیست؟

– آیا می‌توان گفت که یکی از نشانه‌های اسم بودن، وجود حروف جر قبل از آن است؟

– چرا فعل‌های لازم (ناگذر) به مفعول نیاز ندارند؟

– آیا مفعول به در آغاز جمله نیز قرار می‌گیرد؟



التمرين الأول

عين الصحيح أو الخطأ في العبارات التالية :

١- قصد الإمام (ع) بحركته، إصلاح أمة رسول الله (ص).

٢- إنَّ الله قد قَبِلَ توبَةَ «حُرٍّ».

٣- وَصَلَتْ قافلَةُ الإمام (ع) إلى الكوفةِ.

٤- ما أَرْسَلَ أهل الكوفةِ الرسائلَ لدعوة الإمام (ع).

التمرين الثاني

أكمل الفراغ بالصيغة المناسبة :

١- ... العَمَلُ الصَّالِحُ دَرَجَةٌ الْإِنْسَانِ. (يَزْفَعُ، تَزْفَعُ، يَزْفَعَانِ)

٢- أَلْعَمَلُ الصَّالِحُ ... دَرَجَةٌ الْإِنْسَانِ. (يَزْفَعُ، تَزْفَعُ، يَزْفَعَانِ)

٣- أَلْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ... الْإِنْسَانَ إِلَى اللَّهِ. (تُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبُ)

٤- ... الْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ الْإِنْسَانَ إِلَى اللَّهِ. (يُقَرِّبَانِ، تُقَرِّبُ، يُقَرِّبُ)

٥- الْمُؤْمِنُونَ ... وَلَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا. (يَصْدُقُونَ، يَصْدُقُ، يَصْدُقَانِ)

٦- ... الْمُؤْمِنُونَ وَلَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا. (يَصْدُقُونَ، يَصْدُقُ، يَصْدُقَانِ)

٧- الْأُمَّهَاتُ ... أَنْفُسَهُنَّ فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ. (تُسْعَبْنَ، يُسْعَبْنَ، تُسْعَبُ)

٨- ... الْأُمَّهَاتُ أَنْفُسَهُنَّ فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ. (تُسْعَبْنَ، يُسْعَبْنَ، تُسْعَبُ)

التمرين الثالث

صَحِّحِ الأخطاءَ في الإعرابِ والتَّحليلِ الصَّرْفِيِّ :

يَنْجَحُ الصَّادِقُ وَيَقْسُلُ الكاذِبُ.

ينجح : فعلٌ أمرٌ، للغائبِ، مزيد ثلاثي، مبني/ فعل مرفوع و فاعلُهُ «الصادق» والجملةُ اسميةٌ.

الصادق : اسم، جمعٌ، مذكرٌ، مشتقٌ و اسم مفعول، معرب/ فاعل و منصوب

و : حرف، مبنيٌّ على الفتح.

يقسُل : فعل مضارع، للغائبة، مجرد ثلاثي، معرب/ فعل منصوب و فاعلُهُ «الكاذب» والجملةُ فعلية.

الكاذب : اسم، مفرد، مؤنث، جامدٌ، معرب / فاعل و مجرور.

التمرين الرابع

إملاَ الجدولَ من كلمات العباراتِ التالية :

١- يُبَشِّرُ اللهُ الْمُؤْمِنِينَ بِرَحْمَتِهِ.

٢- يَا مُوسَى ﴿.....﴾ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ﴿﴾

٣- ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾

٤- الْحَسَنَةُ تُوَدُّهُ * السَّيِّئَةُ.

اسم ظاهر

ضمير
بارز

ضمير
مستتر

انواع فاعل

مفعول به

جار و
مجرور

مفعول به — جار

و مجرور

«تعريب» یعنی ترجمه کردن به زبان عربی، خواه از زبان فارسی باشد یا از زبان‌های دیگر.

التَّمْرِيبِيُّ الْخَامِسُ

عَرَّبْ * العباراتِ التالية :

- ۱- علم، انسان را به خداوند نزدیک می‌کند.
- ۲- وقت نماز رسیده است، الآن می‌رویم و نماز می‌خوانیم.
- ۳- آن‌ها نور حق را ندیدند و از حقیقت دور شدند.

التَّمْرِيبِيُّ السَّادِسُ

عَيِّنِ المُرَادِفَ وَ المُضَادَّ : (= ، ≠)

السَّابَّ العَجُوزَ	التَّوْبَ اللَّبَّاسَ	السُّوءَ الحُسْنَ
الجَيِّدَ الطَّيِّبَ	وَجَدَ فَقَدَ	تَحْتَ فَوْقَ
بَعَثَ أَرْسَلَ	عَلَيْنَا لَنَا	الابنَ الوَلَدَ
إِقْتَرَبَ إِبْتَعَدَ	الفَتَى الشَّابَّ	الحَسَنَةَ السَّيِّئَةَ



- اسم پس از فعل همیشه فاعل نیست. فاعل گاهی در داخل فعل به صورت مستتر قرار می‌گیرد.
- فعل گاهی در آغاز جمله به صورت مفرد می‌آید و حال آن که فاعل آن به صورت جمع است.
- در این صورت، فعل را به صیغه جمع ترجمه می‌کنیم: کتب الطلاب: دانش‌آموزان نوشتند.
- جایگاه مفعول معمولاً پس از فاعل است. اما در همه جای جمله می‌تواند قرار گیرد. بدین جهت توجه به مفهوم عبارت راهگشای یافتن مفعول یک فعل است.
- ضمایر منفصل منصوب هرگاه در آغاز جمله به کار روند، در ترجمه آنها، کلماتی از قبیل «تنها»، «فقط» و ... را اضافه می‌کنیم.

اشکالات ترجمه زیر را اصلاح کنید.

طریق تعلیم العِلْم

سَجَنَ فرعونُ عالمِ الهِنْدَسَةِ «أَقْلِيدُس». فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ قَالَ فرعونُ: أ قَبِلْتُ كَلَامِي؟ قَالَ أَقْلِيدُسُ: لَا. أَنْتَ تَطْلُبُ شَيْئاً مُسْتَحِيلًا.

راه آموزش علم

فرعون، دانشمند هندسه اقلیدس را زندانی می‌کند. در روزی از روزها فرعون گفت: آیا سخنم را قبول می‌کنی؟ اقلیدس گفت: نه. تو چیز غیر ممکن درخواست کرده‌ای.

صَرَخَ فرعونُ: لَا. عَلَّمَنِي الهِنْدَسَةَ فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَقَطُ. أ فَهَيْمَتْ؟

فرعون گفت: نه. فقط در سه روز هندسه را به من یاد بده. آیا می‌فهمی؟

إِنْتَسَمَ أَقْلِيدُسُ وَقَالَ: يَا فرعونُ، طَرِيقُ الْمُلُوكِ مَخْفُوفٌ بِالْأَزْهَارِ وَ طَرِيقُ الْعِلْمِ مَخْفُوفٌ بِالْمَصَاعِبِ وَ الْمُسْكَلاتِ.

اقلیدس خندید و گفت: ای فرعون، راه پادشاه با آسانی‌ها پوشیده شده و راه علم با نگرانی‌ها و مشکلات.

سَمِعَ فرعونُ كَلَامَ أَقْلِيدُسِ وَ صَرَخَ: إِزْجِعْ إِلَى السَّجْنِ. بَقِيَ أَقْلِيدُسُ فِي السَّجْنِ وَ مَا عَيَّرَ نَظْرَتَهُ.

فرعون سخن اقلیدس را شنید و دستور داد: به زندان برو. اقلیدس در زندان ماند و نظرش تغییر نیافت.

بعد آیام فتح السجان باب السجن فوجد اقلیدس مبيتاً و بجانبه ورقة: «ليس أسلوب ملكي لتعليم الهندسة».

پس از دو روز زندانبان در زندان را باز کرد و اقلیدس را بیمار یافت و در دستش کاغذی بود: «برای

آموزش هندسه روش شاهانه‌ای وجود ندارد».

پیام آیه شریفه « أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ » کدام است؟

- باید امر به معروف کرد.
- لزوم نهی از منکر را نباید فراموش کرد.
- انسان باید به علم خود عمل کند.
- انسان باید خود نیکوکار باشد سپس دیگران را به کار نیک سفارش کند.

فقرحات نوح البلاغه

«صفة المؤمن»

أَلْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ يَكْرَهُ الرُّفْعَةَ^١
شَكُورٌ صَبُورٌ، مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ^٢.

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ :

«الحكم ٣٣٣»

٢- مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ : غرق اندیشه های خویش است.

١- الرُّفْعَةَ : خودبزرگ بینی

...فيه شفاء للناس



اللَّهُ أَنْزَلَ الْقُرْآنَ لِسَعَادَةِ الْبَشَرِ .
و فِيهِ مَا يَضْمَنُ *سَلَامَةً رُوحِيَّةً وَ
جِسْمِيَّةً .
الْأُمَّةُ الْإِسْلَامِيَّةُ لَا تَتَقَدَّمُ *إِلَّا بِشَعْبِ *
سَلِيمٍ بَعِيدٍ عَنِ الْأَمْرَاضِ الْفِكْرِيَّةِ وَ النَّفْسِيَّةِ
وَ الْجِسْمِيَّةِ .

وَالْقُرْآنُ مِنْهَاجٌ * لِسَعَادَةِ الْإِنْسَانِ وَ عَقِيدَةٌ لِلْحَيَاةِ .
وَ فِي بَعْضِ آيَاتِهِ يُشَجِّعُ * الْقُرْآنُ النَّاسَ عَلَى الْإِسْتِفَادَةِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الَّتِي تَضْمَنُ
سَلَامَةَ الْأَبْدَانِ وَ تُسَبِّبُ * نَشَاطَ الْأُمَّةِ وَ تَقَدُّمَهَا .



﴿ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ ... ﴾
الْعِنْبُ مِنْ أَعْنَى * الْعُنَابِ السُّكَّرِيَّاتِ * .
وَ هِيَ الْمَادَّةُ الْأَسَاسِيَّةُ لِإِجَادِ الطَّاقَةِ *
فِي الْجِسْمِ .



﴿والتِّينِ* و ﴾

أَلْقِيْمَةُ* الْغِذَائِيَّةُ لِهَذِهِ الثَّمَرَةُ
عَالِيَةٌ جِدًّا وَفِيهَا مَوَادُّ مُخْتَلِفَةٌ

كَأَلْمَلَحٍ* مِّنَ الْفُوسْفُورِ وَالْحَدِيدِ وَالْكَالْسِيُومِ.



﴿فِيهِمَا فَاكِهَةٌ* و رُْمَانٌ﴾

الرُّمَانُ غَنِيٌّ بِعُنْصُرِ الْحَدِيدِ. وَ هُوَ
ضَرُورِيٌّ لِتَكْوِينِ الْكُرِّيَاتِ* الْحَمْرَاءِ.



﴿..... رُطْبًا جَنِيًّا*﴾

هُوَ أَحَدُ مُلُوكِ الْفَوَاكِهِ الثَّلَاثَةِ :

الْعِنَبِ وَ التِّينِ وَ الرُّطْبِ*.

الرُّطْبُ مَعَ قَدْحٍ* مِّنَ اللَّبَنِ

غِذَاءٌ كَامِلٌ.



﴿... شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٌ...﴾
كُلُّ مَا فِي شَجَرَةِ الزَّيْتُونِ
- مِنْ وَرَقٍ وَ ثَمَرٍ وَ زَيْتٍ* -
يَنْفَعُ النَّاسَ.



﴿... وَ بَصَلِهَا...﴾
الْأَطْبَاءُ يَسْتَعْمِلُونَ الْبَصَلَ* فِي عِلَاجِ
بَعْضِ الْأَمْرَاضِ وَ هُوَ مَفِيدٌ لِتَطْهِيرِ* الْفَمِ
مِنَ الْجَرَائِمِ*.



﴿... لَبَنًا خَالِصًا...﴾
اللَّبَنُ غِذَاءٌ كَامِلٌ وَ عِلْمَاءُ التَّغْذِيَةِ
يَعْتَبِرُونَهُ* أَفْضَلَ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ.



﴿..... و عَدَسِهَا...﴾
هو غذاء سهل الهضم غني
بالبروتين.



﴿..... و فومها.....﴾
ذكر الأطباء للشوم* أربعين فائدة
طبيّة.



﴿... فيه شفاء للناس﴾
في العسل سبعون مادة مختلفة
مفيدة و هو مبيد للجراثيم.



﴿... لحمًا طرياً﴾
السّمك من الأَطعمة المفيدة
لأمراض القلب.
و فيه عنصر الفوسفور و فيه منافع
للناس.

نمونه‌ها

در تابلوی زیر به کلمات «ابتدا»ی عبارت‌ها و نیز کلمه‌های «خبر» رسان دقت کنیم :



نام‌گذاری

- ✓ جمله‌هایی که با «اسم» شروع می‌شوند، «جمله اسمیه» نامیده می‌شوند.
- ✓ به «اسمی» که در آغاز جمله اسمیه می‌آید، «مبتدا» (مبتدا) می‌گوییم.
- ✓ به کلمه یا کلماتی که پس از مبتدا می‌آیند و معنای مبتدا را کامل می‌کنند، «خبر» می‌گوییم.

نکته دانستیم که ارتباط میان فعل و فاعل، ارتباطی جدانشدنی است. فعل بدون فاعل قابل تصوّر

نیست.

اما ...

در زبان فارسی تفاوتی میان «دانش آموز آمد»، و «آمد دانش آموز» از جهت فاعل جمله وجود ندارد. در هر دو جمله «دانش آموز» «فاعل» است. اما در زبان عربی در صورتی که فاعل بر فعل مقدم شود، دیگر به آن فاعل گفته نمی‌شود، بلکه نام جدیدی به خود می‌گیرد: **مُبتدا**

جاء الطَّالِبُ : فعل و فاعل

الطَّالِبُ جاءَ : مبتدا و خبر



حال از خود سؤال کنید:

۱- جمله‌ای که با فعل شروع می‌شود، چه نام دارد؟ مثال بزنید.

۲- آیا «فعل» می‌تواند «مبتدا» واقع شود؟

۳- کلمه «مبتدا» چه نوع مشتقی است و به چه معناست؟

اعراب «مبتدا»، «رفع» است و مبتدا «مرفوع».

«خبر» نیز همانند مبتدا، «مرفوع» است.



برای یافتن «خبر»، بی‌پردن به مفهوم عبارت راهگشاست. ترجمه و درک معنای جمله،

«خبر» را مشخص می‌کند.

به نظر شما در جمله *الإخلاصُ في العملِ محمودٌ*. «خبر» کدام است؟

یک بار دیگر به تابلوی آیات نگاه کنیم:

آیا در همه عبارات‌ها مبتدا را تشخیص می‌دهیم؟

آیا «خبر» مبتدا را در همه عبارات‌ها تشخیص می‌دهیم؟

آیا می‌توانید بگویید که «خبر»‌ها به چند صورت آمده‌اند؟

خبر غالباً به یکی از سه صورت زیر می‌آید:

المؤمناتُ صابراتٌ.	المؤمنونَ صادقونَ.	المؤمنُ صبورٌ.	مانند:	مفرد	۱
المُجدُّ نَجَحَ.	المؤمنةُ تَصَدَّقُ.	المسلمُ يَصْدُقُ.	مانند:	جمله فعلیه	۲
العُفائفُ مِنَ الإیمانِ.	الإیمانُ بِالْعَمَلِ.	الْتَّجَاهُ فِي الصِّدْقِ.	مانند:	شبه جمله	۳

۱- جار و مجرور را در اصطلاح «شبه جمله» می‌نامند.

به عبارات تابلوی روبرو توجه کنیم :

الإنسانُ عَبْدُ الإحسانِ .
أنتُ مسؤولٌ عن عمَلِك .
الغريقُ يَتَسَبَّبُ * بكُلِّ حَسِيئَةٍ * .

- کلمه‌های ابتدای جمله‌ها کدام یک از اقسام کلمه هستند؟
- آیا علامت رفع را در «ابتدا» و «خبر» ملاحظه می‌کنید؟
- «ضمایر» و «اسم‌های اشاره» معرب هستند یا مبنی؟
- «جمله» و «جار و مجرور» چگونه؟

این نکته را به خاطر بسپاریم

✓ اعراب کلمات مبنی (ضمایر، اشاره، ...) «محلّی» است.

✓ اعراب «جمله» و «شبه‌جمله» نیز «محلّی» است.

✓ بنابراین : در مبتدا و خبر، ضمایر و اسم‌های اشاره و «جمله»‌ها

و «شبه‌جمله»‌ها «محللاً مرفوع» می‌باشند.



مَحْتَرَمٌ	هُوَ
مبتدا و محلاً مرفوع	خبر و مرفوع

الطَّالِبَةُ	جَلَسَتْ
مبتدا و مرفوع	خبر و محلاً مرفوع

سَعِيدٌ	فِي الْمَدْرَسَةِ
مبتدا و مرفوع	خبر و محلاً مرفوع

الْبَابُ	طَرَقَ	هَذَا
مفعول به و منصوب	مرفوع	مبتدا و محلاً مرفوع

الطَّالِبُ	مَحْتَرَمٌ
مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع

الطَّالِبَةُ	جَالِسَةٌ
مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع

سَعِيدٌ	حَاضِرٌ
مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع

الطِّفْلُ	طَرَقَ	الْبَابُ
مبتدا و مرفوع	مرفوع	مفعول به و منصوب

التمرين الأول

اجعل الجمل التالية في مكان مناسب من الجدول :

الجملة الاسمية		
نوع الخبر	الخبر	المبتدأ

١- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

٢- الرائد * لا يكذب أهله.

٣- هؤلاء مصابيح الأمة.

٤- أصدق رأس الفضائل* .

٥- شرف المكان بالمكين* .

التمرين الثاني

اجعل الفاعل مبتدأ و المبتدأ فاعلاً و غير ما يلزم :

١- يأمر المؤمنون بالمعروف.

٢- يعطف* الوالدان علينا.

٣- التلميذتان ساعدتا أمهما.

٤- تجتمع المسلمات في المسجد.

٥- الممرضات* يعطفن على المرضى.

٦- المسلمون رفَعوا أعلام الحضارة* في العالم.

التمرين الثالث

مبَيَّر الخطأ في كل عبارة ثم اكتب الصحيح :

١- العِزَّة لا يَحْضُلُ بِالتَّكَاثُلِ .

٢- الْمَعْلَمُ أنبياءُ الأُمَّةِ .

٣- حُسْنُ الخُلُقِ من ثَمَرَاتِ الأدبِ .

٤- التَّواضُعُ ترفعُ قيمةَ الإنسانِ .

التدريب السادس

انتخب الصحيح للفرغ في الإعراب و التحليل الصّرفي :

«العاقِلُ يَغْتَنِمُ الفرصةَ في الحياة.»

- العاقِلُ اسمٌ، جامدٌ / مبتدأ و مرفوعٌ ،
 مشتق (اسم فاعل) معربٌ مبنى / متعديٌّ منصوبٌ ،
 والجملةُ فعليةٌ
 اسميةٌ

- يَغْتَنِمُ فعلٌ، ماضٍ ، مجرّد ثلاثيٌّ ، للغائب ، متعديٌّ مبنى ،
 مضارعٌ مزيدٌ ثلاثيٌّ معربٌ
 فعلٌ و فاعلهُ ضميرٌ هو المستتر و الجملةُ فعليةٌ و خبرٌ من نوعِ الفعليةِ مرفوعٌ محلاً ،
 خبرٌ من نوعِ المفرد مرفوعٌ

- الفرصةُ اسمٌ، جامدٌ مبنى مفردٌ مذكرٌ / مفعولٌ و منصوبٌ ،
 مشتقٌ معربٌ مثنى مؤنثٌ منصوبٌ محلاً

- مبنى على الكسر
 حرف جرّ ،
 مبنى على السكون

- الحياةُ اسمٌ مفردٌ ، مذكرٌ ، جامدٌ ،
 فعلٌ مؤنثٌ معربٌ

- مجرورٌ بحرف جرّ
 (في الحياة : جازّ و مجرور)
 منصوبٌ

الف

در آیات زیر کلماتی از ریشه (ظَلَمَ) بیان شده است. در کدام مرتبه توضیحات صحیح درباره آن‌ها داده شده است؟

۱- ﴿وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ﴾ (غافر/ ۳۱)

مشتق

جامد

۲- ﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا﴾ (إسراء/ ۳۳)

اسم
مفعول

اسم
زمان

۳- ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ (أنعام/ ۲۱)

اسم
تفضیل

فعل
ماضی

ب

مفهوم صحیح آیات زیر کدام است؟

﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾

خشک و تر با هم می‌سوزند.

هیچ‌کس از خشم خدا در امان نیست.

هیچ چیز نزد خدا پوشیده نیست.

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾

نکوهش شرط بندی

جان انسان‌ها را نباید بازیچه قرار داد.

مسؤولیت انسان نسبت به اعمالی که انجام می‌دهد.

۱	إِشْتِاقٌ : اشتیاق پیدا کرد، مشتاق شد		الف
۹	الأَشْجَعُ : شجاع تر، شجاع ترین	۳	أَسِيفٌ : متأسف
۳	أَصْبَحَ : سُدَّ	۹	الأَلُّ : خاندان
۱۰	إِعْتَبَرَ : به شمار آورد	۴	إِبْتَعَدَ : دور شد
۸	إِعْتَمَدَ : اعتماد کرد	۴	إِبْتَلَعَ : بلعید
۶	الإِعْزَازُ : عزّت و احترام	۹	أَبْصَرَ : دید
۱۰	إِغْتَنَمَ : غنیمت شمرد	۹	أَتَى — یأتی : آمد
۱۰	الأَغْنَى : غنی تر، غنی ترین	۴	الأَجْیَالُ : نسل ها (جمع جیل)
۲	أَفْرَعٌ : فرو ریخت	۷	الأَحَدُ : یکتا
	أَفْرَعٌ عَلَيْنَا صَبْرًا : صبری به ما عطا کن.	۳	الأَحْذِیةُ : کفش ها (جمع حذاء)
۷	أَقَامَ — یُقیمُ : به پا داشت	۶	أَخْبَرَ : خبر داد
	إِقامَةُ الصَّلَاةِ : به پاداشتن نماز	۹	أَذْهَبَ : بُرِدَ
۳	أَقْبَلَ : روی آورد، جلو آمد	۹	إِرْتَعَدَ : لرزید
۹	إِقْتَرَبَ : نزدیک شد	۹	إِرْتَفَعَ : بالا آمد
۲	الأَقْدَامُ : گام ها، پاها، (جمع قَدَم)	۷	أَزْجَعٌ : بازگرداند
۵	الأَلْبِیسةُ : جامه ها (جمع لباس)	۵	الأَرْحَصُ : ارزان تر
۱	أَلْحَقٌ : ملحق کرد، رساند	۱۰	الأُسْبُوعُ : هفته
	أَلْحَقَنِي بِالصَّالِحِينَ : مرا به درستکاران	۳	إِسْتَقْبَلَ : استقبال کرد، به پیش باز رفت
	ملحق کن	۳	إِسْتَيْقَظَ : بیدار شد، از خواب برخاست
۹	أَلْقَى : انداخت	۹	الإِسْقَاطُ : ساقط کردن، انداختن
۱	إِلَيْكَ : به سوی تو	۲	أَسْلَمَ : اسلام آورد
۴	الأَلِیمُ : دردناک	۳	الأُسُوةُ : الگو، نمونه
۵	الأَمارةُ : بسیار امرکننده، فرمان دهنده	۱	أَشَارَ : اشاره کرد
۱۰	الأَملاحُ : مواد معدنی		أَشِيرُ إِلَيْهَا بِخَطِّ : با خط به آن اشاره شده،
۷	أَنْزَلَ : نازل کرد، فرو فرستاد		زیر آن خط کشیده شده است

۱۰	الحَصَاة : تمدن	ث	
۳	الحَفَاوة : به گرمی استقبال کردن، پذیرایی گرم و صمیمانه	الثَّمَن : قیمت	۳
۳	الحَفَلَة : جشن	ثَمَنُهُ باهظ : قیمتش گران است	۱۰
۱	الحُكْم : حکمت، دانش	الثَّوم : سیر	

ج

۸	الجُدود : نیاکان (جمع جَدّ)	ج	
۹	خَذَلَّ ُ : خوار کرد، تنها رها کرد	الجراثيم : میکروب‌ها، (جمع جُرثومة)	۱۰
۶	الخُرُوف : گوسفند	جَزَع ُ - : بی تابی کرد	۶
۴	خَلَّصَ : نجات داد، رهایی بخشید	لا تَجَزَعِي : بی تابی مکن.	

د

۲	دَافَع : دفاع کرد	الجَزِيل : فراوان	۲
۴	دَلَّ ُ : راهنمایی کرد	شكراً جزيلاً : بسیار متشکرم.	
۸	الدَّيْكَ : خروس	جَفَّفَ : خشک کرد	۵
		الجَنِيّ : تازه چیده شده	۱۰
		الجَوَارِح : اعضای (بیرونی) بدن (جمع جارحة)	۱
		قَوَّ على خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي : اعضای بدن مرا برای خدمت خودت توانمند کن.	

ذ

	ذات : صاحب، دارنده	الجوانح : اعضای (درونی) بدن (جمع جانحة)	۱
۲	ذات لَيْلَة : شبی	أشُدُّ على العزيمة جَوَانِحِي : اعضای بدن مرا برای برخورداری از عزمی راسخ،	
۸	ذات يَوْمٍ : روزی	استوار بدار، یاری کن	
۴	الدَّهَب : طلا		

ح

۸	ذَوِي التَّيْجَان : صاحبان تاج، تاجداران (خروس‌ها)	الحاذِق : ماهر، زبردست	۶
		حَبَبٌ : محبوب گرداند، خوشایند ساخت	۳
		الحبيب : محبوب، دوست	۲
۱۰	الرَّائِد : پیش‌آهنگ، راهنما	الحَرَّ : گرما	۵
۶	رَاجَع : مراجعه کرد	الحَشِيشَة : یک دانه علف خشک	۹
۹	الرُّؤُوس : سرها (جمع رأس)	الحُصُول : به دست آوردن، دست یافتن	۶

۲	سَمَّعَ ـــ : اجازه داد	۹	الرَّخَاءُ : آسایش، رفاه
۵	السُّنْدُسُ : نوعی پارچه ابریشمی	۳	الرُّخَيْصُ : ارزان
۲	السَّنِينُ : سال‌ها (جمع سَنَة)	۱۰	الرُّطْبُ : خرما
۵	السَّوَابِقُ : پیشتازان (جمع سابقَة)	۲	الرَّعَايَةُ : توجه، مراقبت
۵	السَّوَاءُ : بدی، زشتی	۵	الرَّعْبَاتُ : تمایلات (جمع رَعْبَة)
۵	السَّيِّئَةُ : بد و ناپسند	۸	رَفَضَ ـــ : رد کرد، نپذیرفت، مخالفت کرد
		۹	رَوَّعَ : ترساند

ش

۵	الشَّبَابُ : جوانان (جمع شاب)، جوانی		
۱۰	شَجَّعَ : تشویق کرد	۴	زَهَقَ ـــ : نابود شد
۱	شَدَّ ـــ يَشُدُّ : نیرومند ساخت	۱۰	الزَّيْتُ : روغن
۸	الشُّعَارُ : کِسوت، لباس، علامتی که گروهی به وسیله آن شناخته می‌شوند.	۴	الزَّيْنَةُ : زیورآلات
			خَرَجَ فِي زَيْنَتِهِ : با جلال و شکوه بیرون آمد.

ز

۱۰	الشُّعْبُ : ملت		
۵	الشُّفِيْقُ : دلسوز		
۹	شَهِدَ ـــ : شهادت داد، گواهی داد	۱	السَّابِغُ : فراخی دهنده
	رَبِّ فَاشْهَدْ : پروردگار من، شاهد باش.		یا سَابِغِ النِّعَمِ : ای کسی که فراخی نعمت را به کمال داده است.

س

		۵	السَّابِقُونَ : پیشتازان، (جمع سابق)
		۸	سَبَّ ـــ : دشنام داد
		۱۰	سَبَبٌ : سبب شد
		۹	السَّبْطُ : نوه دختری
		۱۰	سَبْعُونَ : هفتاد
		۳	السَّجَّادَةُ : قالی، قالیچه
		۱۰	السُّكَّرِيَّاتُ : مواد قندی، گلوکوزها
		۹	سَلَّمَ : تسلیم شد
			بَاعَ أَنْتَ أَوْ تَسَلَّمْ : یا بیعت کن و یا تسلیم می‌شوی.

ص

۴	صَاحِبُ الْجَلَالَةِ : دارای شکوه، اعلیٰ حضرت		
۷	الصَّامِتُ : ساکت، خاموش		
۴	الصَّانِعُ : سازنده		
۳	الصُّحُفُ : روزنامه‌ها (جمع صَحِيفَة)		
	الصَّحِيفَةُ الْمَسَائِيَّةُ : روزنامه عصر		
۲	صَدَّقَ : باور کرد		
۹	صَلَّى ـــ يُصَلِّي : نماز خواند		
۵	صَوَّرَ : ترسیم کرد		

۵	عَلِمَ بِـ... : بی برد، دانست	ض
۹	عَلَيْنَا : علیه ما	ضَمِينٌ - : تضمین کرد
۳	العُنُق : گردن	
۸	عَنِّي : از جانب من (عن+ن+ي)	ط
۹	العَيْن : شبیه، مانند	الطَّاعُوت : سرکش
۱	عَيْنٌ : تعیین کرد	الطَّاعِيَّة : ستمگر، بسیار سرکش
		الطَّاقَةُ : نیرو، انرژی
		طَرَّقَ - : زد، کوبید
		الطَّرِيَّ : تازه، خرم
۲	فاح - يَفُوخُ : پراکنده شد، پخش شد	طَيِّبٌ : خوب، بسیار خوب
۹	الْفَتَى : جوان، جوانمرد	
۲	فَتَّشَ : جستجو کرد	
۹	الْفَرَج : گشایش	ظ
۱۰	الْفَضَائِل : فضیلت‌ها، خوبی‌ها (جمع فضیلة)	ظَنَّ - : گمان کرد
۴	الْفِضَّة : نقره	
۷	الْفُقَرَاء : نیازمندان (جمع فقير)	ع
	رَبَّنَا إِنَّا أَفْقَاءٌ لِّمَا تُنزِلُ إِلَيْنَا مِنْ خَيْرٍ :	عَادَ - يَعُودُ : بازگشت
	پروردگارا، ما به آنچه از خیر بر ما	عَادَ وَاللَّهِ فِتَانَا الْحُرُّ حُرًّا : به خدا سوگند که
	نازل می‌کنی نیازمندیم.	جوان ما «حر» آزاده بازگشت.
۹	فِكْرَةٌ رَأْنَعَةٌ : فکر جالبی است!	العَارِف : دانا
۱۰	الْفَيْرَان : موش‌ها، جمع فأر	عَاهَدَ : پیمان بست، عهد بست
۱۰	الفوم : سیر (همان ثوم است)	العَجُوز : پیرزن
۹	فِيمَ (= في+ ما)؟ : درباره چه؟ برای چه؟	عَرَّبَ : به عربی ترجمه کرد
۱۰	فوم : سیر (همان ثوم است)	العَزَى : نام یکی از بت‌های كفار قریش
		العَزِيمَةُ : اراده قوی
		عَطَشَ - : تشنه شد
		العَطَشِيُّ : تشنگان (جمع عطشان)
۲	قَبِلَ : طرف، سمت، جهت	عَطَفَ - : مهربانی کرد
۹	القِتَال : جنگ	عَلَقَ : آویزان کرد
۱۰	القَدَح : کاسه	

۵	الذَّالِحُونَ : دنباله‌روها (جمع لاحق)	۲	قَدِرَ — : توانست
۱۰	اللَّبَن : شیر	۲	قَرَن : نام قبیله ای در «یمن»
۷	لِما : بر آنچه، برای آنچه	۵	قَسَمَ : تقسیم کرد
۵	لَمَّا : وقتی که	۶	الْقَطْع : تکه‌ها (جمع قطعه)
۹	لَنَا : با ما، برای ما		قَطَعُ اللَّحْم : تکه‌های گوشت
	أَعْلَيْنَا أَمْ لَنَا؟ : بر ضد ما یا با ما؟	۲	الْقَلِيق : نگران
۴	لَيْتَ : کاش	۲	الْقَلِيل : اندک
			بعد قلیل : اندکی بعد
	م	۵	الْقَمِيص : پیراهن
۸	الْمَاكِر : حيله‌گر	۱	قَوَى — يُقَوِّي : توانمند کرد
۳	مَا لَكَ؟ : تو را چه می‌شود؟	۵	قَيْصَر : سزار (لقب پادشاه روم)
۶	المُؤَسِّفَة : تأسف بار	۱۰	الْقِيَمَةُ الْعِذَائِيَّة : ارزش غذایی
۱	المألوفة : روان و ساده		
۱۰	المُبِيد : نابود کننده		ك
۹	المُبِين : واضح، آشکار	۹	كَبَّرَ : تكبير گفت، «الله اكبر» گفت
۶	مُتَأَخِّرًا : دیر	۷	كَذَلِكَ : همچنين
۳	المِثَالِي : نمونه، الگو	۱۰	الْكُرِيَات الحَمْرَاء : گلبول‌های قرمز
۶	المَجْلِسُ الإِسْتِشَارِيّ : مجلس مشاوره، شورای مشورتی	۵	كِسْرَى : خسرو (لقب پادشاهان ساسانی)
		۲	كَلَّمَ : صحبت کرد
۳	المُحْرِقَة : سوزان	۵	الْكُم : آستین
۸	المُخْطِئُ : خطاكار	۴	كُنَزَ — : انباشت، جمع کرد، ذخیره کرد
۳	المَراسيم : مراسم		يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّة ... :
۶	المرضى : بیماران (جمع مريض)		طلا و نقره جمع می‌کنند.
۳	المَسَاء : عصر	۸	الكَهْف : غار، پناهگاه
۶	المُسْتَشْفَى : بیمارستان		
۳	المَسْرَحِيَّة : نمایشنامه		ل
۸	مَشَى — يَمْشِي : راه رفت	۴	لَاتَ : نیست
۵	المَشَاهِد : صحنه‌ها، منظره‌ها (جمع مشهد)	۷	اللَّات : نام یکی از بت‌های مشرکان قریش

۳	المُصَافِحَة : دست دادن	۹	التَّهَجُّج : راه، روش
۹	المُظَالِم : ستمگری ها (جمع مَظْلَمَة)	۲	نَهَضَ - : برخاست
۲	المُعْرَكَة : جنگ		
۱۰	المَكِين : صاحب مکان		
	شَرَّفَ المَكَانَ بِالْمَكِين : ارزش محل به صاحب محل است.		
۱۰	المُمرَّضَات : پرستاران، جمع مُمرَّضَة	۵	وَأَحْزَنَاهُ! : چه اندوهی!
۴	مناص : گریزگاه، گریز	۴	وراء! : پشت (مترادف خَلْف)
۱۰	المِنِهَاج : راه روشن	۹	وَوَزَعٌ : تقسیم کرد، توزیع کرد
۷	المُوَحَّد : یگانه پرست	۳	الوَسَام : نشان، مدال
۴	المَوَكِب : کاروان	۸	وَعَظٌ - يَعِظُ : پند داد
۱۰	مَيَّزَ : تشخیص داد	۱	وَهَبٌ - يَهَبُ : عطا کرد، بخشید
			هَبَ لِي : به من عطا کن

هـ

۹	ها أنا : هان، این من هستم.		
۳	النَّاجِح : قبول شده، موفق	۱	هَبْتُ : ← وَهَب
۵	النَّاصِح : اندرزگو، نصیحت کننده	۷	هُبِلَ : نام بتی از بت های مشرکان قریش
۳	النَّذِير : هشداردهنده، بیم دهنده	۵	هَكَذَا : این چنین
۲	النَّصُّ : متن	۶	هُنَاكَ : وجود دارد، آنجا
۱	نَصَبٌ - : قرار داد	۲	هَنِيئًا! : گوارا باد!
	نَصَبْتُ وَجْهِي : چهره ام را قرار دادم.	۳	هَيَّأٌ : مهیا ساخت، آماده کرد

ی

۹	التَّعِيم : بهشت، فراوانی نعمت	۲	يا لِّلسَّعَادَةِ! : چه سعادت!
۲	نَفِدَ - : تمام شد، به پایان رسید		
۱	النَّقَم : بلاها، بدبختی ها (جمع نِقْمَة)		
۶	النَّوَاحِي : ناحیه ها، محله ها (جمع نَاحِيَة)		

